

# پایان کار میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله

## مقدمه

میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله از رجال سرشناس دوره قاجار است که مدت سی و سه سال ( از ۱۲۴۲ قمری تا ۱۲۷۵ قمری ) در دربار سه تن از پادشاهان این خاندان مشاغل و مناصب عالی و مؤثری چون وزارت لشکر و صدارت عظمی بعهده داشته و در خلال این زمان چه بسیار که با تدابیر و نفوذ خویش، مدار بسیاری از وقایع و امور را بمصلحت زمان یا بسود خود و یا بمصالح دیگران تغییر داده است ولی ، با تمام این احوال و با وجود اینکه این مرد خود مدت هفت سال

بقلم

دکتر جهانگیر قائم مقام

(المحررم ۱۱۶۸ تا محرم ۱۲۷۵ قمری) صدر اعظم مقتد و ایران  
 بوده است باز تاریخ زندگیش، هنوز آنگونه که باید روشن  
 نشده و تاجائی که نگارنده آگاهی دارد ترجمه حال مستقی هم  
 از او جز دو مقاله در دست نیست و این دو مقاله یکی بقلم  
 هادروان خان ملك ساسانی است که در جلد نخست کتاب  
 سیاستگران دوره فاجاری - انتشار یافته است - دلی چون در  
 تدوین و نگارش آن، متأسفانه رعایت اصل بیطرفی نشده و خالی  
 از اغراض نیست ، باید آن را با قیید احتیاط تلقی کرد

شرح حال دوم شرحیست در مجموعه ای بنام صدرالتواریخ  
 متضمن شرح حال چند تن از صدور دوره فاجار که نسخه ای غیر  
 چاپی از این مجموعه بشماره ۲۴۵ - ج خطی، در کتابخانه دانشکده  
 ادبیات تهران موجود است ولی متأسفانه قسمد بیشتر شرح حال  
 میرزا آقاخان از این کتاب افتاده و جز چند صفحه از آغاز و  
 انجام آن باقی نیست و اما برای آگاهی بیشتر خوانندگان  
 این را هم بگوئیم که در ناسخ التواریخ تألیف میرزا محمد تقی  
 لسان الملك سپهر نیز در یک موضع می بینیم که مؤلف ، ترجمه

---

۱- این کتاب در دو جلد بوسیله کتابفروشی طهوری بچاپ رسیده است.

حال کامل و مستقلى از ميرزا آقاخان را به كتاب جداگانه  
تأليف خود حواله کرده است<sup>۲</sup> که با همه کوششهاى که شد  
کمترين نشانى از اين کتاب بدست نيامد ولى بايد دانست اگر  
هم اين کتاب امروز در دسترس مامى بود فايده اى چندان از آن  
حاصل نميشد زيرا مندرجات آن نيز از همان سياق مى بود که  
مؤلف در ناسخ التواريخ درباره ميرزا آقاخان نوشته است<sup>۳</sup>

بنا بر اين ، مدارك و مراجع برائى تدوين شرح احوال  
ميرزا آقاخان، در حال حاضر ، منحصراً به مندرجات پاره يى از  
کتابهاى تاريخيست که در هريك از آنها بمناسبتى، ذکرى از  
ميرزا آقاخان رفته و نکته اى از حالات او در آنها بيان شده  
است و همچنين چند مقاله اى را هم که راجع به گوشه هاى از  
زندگى ميرزا آقاخان در مجلات نگاشته شده بر جمع اين مدارك  
بايد افزود . و با تمام اين احوال بايد دانست که از جمع اين

---

۲- ج ۳ ص ۱۵۴ چاپ نگارنده اين مقاله

۳- ر.ک. به ص ۳۷۰ تا ص ۳۷۲ و ص ۳۹۴ تا ۳۹۶ مجلد سوم قاجاريه .

در مجموعه اى خطى از اسناد و نامه هاى دولتى به شماره ۶۲۷۶ نامه ايست که در تاريخ دهم محرم ۱۲۷۷ قمرى  
بعرض ناصرالدين شاه رسيده و نويستنده آن که ظاهراً وزيرانطباعات و علوم وقت بوده است در آن چنين  
نوشته است: «دستخط مبارک زيارت شد. در باب تاريخ سپهر و احوال ميرزا آقاخان نکته [اى] که بخاطر  
اقدس همايون رسيده بسيار دقيق و باريک و بجاست. چون از بدو حالات او تا ختمش همه جاغراق نويسى  
است و اگر بناى تغيير باشد بايد همه آن قطعه تاريخ تغيير يابد لهداد رغياب چندروزه موکب همايون ،  
بدقت ملاحظه آن اجزاء رامى کند که چقدر خرج دارد و چه مدت راجتاج است و چه قدرش بايد عوض شود...»  
ولى نميدانيم مراد از اين تاريخ همان شرح حال مستقل است و يا فصليبست که سپهر در ناسخ التواريخ  
گنجانيده است .

اطلاعات، باز شرح حال جامع و کامل میرزا آقاخان حاصل نمی‌شود و باید در انتظار بود که بمرور ایام، به‌سمی و اهتمام محققان و اهل تتبع، رفته رفته مدارک و اسناد لازم از مجموعه‌های خصوصی و بایگانیهای دولتی ایران، انگلیس، روسیه، فرانسه و عثمانی (ترکیه) فراهم شود تا بتوان از جمع و تالیق آنها ترجمه‌های جامعی شامل همه جوانب زندگانی میرزا آقاخان خاصه زندگانی اداری و سیاسی او تنظیم نمود و بمبنای همین اصل است که نگارنده هم مقاله حاضر را تنها به گوشه‌ای از زندگانی میرزا آقاخان اختصاص می‌دهد که بیان علل و موجبات عزل وی از صدارت و تفصیل دوران معزولگی و تبعید و مرگ اوست و این نکته است که مورخان دوره قاجار بمقتضای اوضاع و احوال زمان از آن هیچ سخن نگفته‌اند.

## نام، نسبت و ورود به خدمت = در دربار فتحعلیشاه

میرزا آقاخان نوری که نام اصلیش میرزا نصراله خان بود فرزند اسداله - خان نوری و از خاندان خواجهگان نور است که سلسله نسب آنها به موجب شجره نامه ای که در دست است<sup>۴</sup> به خواجه عبدالسلام بن صالح اباصلت هروی میرسد. میرزا اسداله خان هنگام اردو کشی آقا محمدخان قاجار به مازندران (سال ۱۱۹۴ ق) ، در راه پیشرفت آقا محمد خان خدمات بسیار نمود و آقا - محمدخان او را بخدمت خویش وارد ساخت و مقام وزارت لشکر خود را باو

---

۴ - اصل این شجره که طوماری شکل و خطیست اکنون در تصرف بازماندگان شادروان خانبا با نوری می باشد و نگارنده آن شجره و چندین نامه بخط میرزا آقاخان را دو سال ۱۳۳۰ که آن شادروان هنوز در قید حیات بود نزد ایشان دیدم و مدتها نیز بطور امانت پیش من بود .

۵ - همچنین درک به ناسخ التواریخ مجلد قاجاریه چاپ نگارنده - روضة الصفاى ناصری مجلد دهم زیر عنوان « ذکر احوالات جناب اعتمادالدوله » - شجره طوماری شکل و خطی خاندان خواجهگان نور متعلق به شادروان خانبا با نوری و همچنین در کتاب گنج هایگان تألیف میرزا طاهر دیباجه نگار اصلهائی نسخه خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۲۸۴ درج درم . مؤلف کتاب اقلیم نور (ص ۲۳۷) شجره نامه نسب میرزا آقاخان و امجدول دانسته است .

خواجه عبدالسلام بن صالح بن سلیمان بن ایوب بن میرزا الهروی القرشی از ثقات راویان و صحابه امام الهمام حضرت رضا علیه السلام بوده که در سال ۲۰۰ هجری با حضرت رضا به طوس رفت و پس از شهادت حضرت رضا ( ۲۰۳ ق) و مدتی که در زندان مأمون بسر برد (حبیب السیر ص ۵۲ جلد دوم چاپ دوم و کتاب زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا ص ۱۶۷ جلد ۲) در سال ۲۰۴ بقم رفت و در شوال ۲۳۲ در آنجا به گداز (ورق ۵۹۰ انساب سمائی) پس از مرگ خواجه اباصلت، قاید هدایت پسراو به نور مازندران رفت و خاندان خواجهگان نور از اعقاب او هستند . (اطلاعات بیشتر راجع به این خاندان در کتاب « تاریخ خاندان خواجهگان نور » تألیف نگارنده این مقاله میباشد )

سپرد<sup>۶</sup> و او پس از آقا محمد خان نیز در دربار فتحعلیشاه بهمان شغل و منصب باقی بود<sup>۷</sup> تا در سال ۱۲۴۵ قمری بسبب ضعف پیری به حکومت نور منصوب و خانه نشین گردید<sup>۸</sup> و در همانجا نیز در گذشت.

میرزا آقاخان پسر دوم میرزا اسداله خان در ربیع الاول سال ۱۲۲۲ قمری متولد شد<sup>۹</sup> و از سال ۱۲۴۳ قمری با سمت لشکر نویسی وارد خدمت دربار فتحعلیشاه گردید<sup>۱۰</sup> و چون جوانی با فراست و موقع شناس و چرب زبان بود توانست رفته رفته در دربار فتحعلیشاه و پس از او در دربار جانشینش، محمدشاه، مقام و جایبی برای خود باز کند و تا منصب «وزارت کل عساکر منصوره» نظام و غیر نظام<sup>۱۱</sup> ارتقاء یافت و هر چند این شغل در آن روزها چندان مهم نمی بود ولی میرزا آقاخان روز بروز به دستگاه تشکیلات آن توسعه و بسط داد تا جایی که تشکیلاتی فراخور آن نام، برای خود فراهم ساخت.<sup>۱۲</sup>

در دربار محمد شاه

اقدامات میرزا آقاخان که مردی بسیار موقع شناس و پیش بین بود و گاه و بیگاه برای پیشرفت مقاصد خود وسایسی نیز بکار می برد<sup>۱۳</sup>، حاجی میرزا-

۶ - م ۱ ج ۲۵ ناسخ التواریخ .

۷ - م ۵۸ و ۶۱ و ۷۲ ناسخ التواریخ جلد نخست .

۸ - م ۱۴۸ منتظم ناصری جلد سوم م ۱۴۳ ناسخ التواریخ جلد نخست .

۹ - م ۱۱۶ روابط ایران و عثمانی تألیف آقای محمود فرهاد معتمد و همچنین کتاب

کنج شایگان درج دوم نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۴۲۸

۱۰ - ناسخ التواریخ جلد نخست م ۲۴۳ - خان ملک ساسانی دو کتاب سیاستگران

دوره قاجار (م ۱۳) نوشته است «میرزا آقاخان» ابتدا در خدمت آصف الدوله اللهیارخان

بوده و بعد از فوت پدرش میرزا اسداله خان لشکر نویس، منصبش با او رسید ، ولی نگانده

با وجود جستجوی بسیار از این موضوع در هیچ جا نشانی نیافت .

۱۱ - منتظم ناصری جلد سوم م ۱۶۷

۱۲ - مرحوم عبداله مستوفی در کتاب «تاریخ اجتماعی و اداره دوره قاجار» می نویسد :

اساساً و زوات لشکر که جز ریاست محاسبات و وزارت جنگ چیزی نبود و زیر لازم نداشت

منتهی قدمت خدمت میرزا اسداله خان نوری موجب تأسیس آن شد و بعدها که کار بدست میرزا

آقاخان افتاد بال لشکر نویس باغی و لشکر نویسان و سر رشته داوان دفتر لشکر و زنگ و

زنجیری که بآن بست جانی بان داد و وزارتخانه محسوب گشت ، (جلد اول چاپ دوم م ۸۹) .

۱۳ - د.ک. بناسخ التواریخ جلد دوم م ۱۶۸

آقاسی صدراعظم وقت را بفکر انداخت هر طور باشد دست او را از دربارشاهی کوتاه سازد ولی فرصتی بدست نیامد تا در سال ۱۲۶۱ق که محمدشاه سخت بیمار شد و چنان بود که امید بهبود نمیرفت. در باریان بقصد پی‌ریزی آینده خود بفکر افتادند و بدین نظر، بعضی از آنها کرد بهمین میرزا بهاء‌الدوله، برخی در اطراف الله‌قلی میرزا دخترزاده فتحعلیشاه و محرم‌حاجی میرزا آقاسی، عده‌یی هم به‌خواه‌های ناصرالدین میرزا ولیعهد جمع شدند و از آن میان میرزا آقاخان که زمینه سلطنت را برای بهمین میرزا و الله‌قلی میرزا مساعد نمیدید خود را بولیمهد نزدیک ساخت<sup>۱۴</sup> و اخبار این دسته بندها راهمه وقت بعرض محمد شاه میرسانید.<sup>۱۵</sup>

ولی ورق وقایع برگشت و محمد شاه بهبود یافت و حاجی میرزا آقاسی قدرت خویش را باز بدست آورد و مخالفان خود را سرکوب و تنبیه و تبعید نمود و از آن میان میرزا آقاخان بود که با وجود آنکه شاه بوی لطف و توجهی داشت، حاجی‌دربار کناری او بقدری اصرار و سماجت ورزید که «اظهار استعفاى از وزارت کرد»<sup>۱۶</sup> و چون در مزاج محمد شاه هم نفوذی داشت سرانجام شاه ر اراضی برب کناری میرزا آقاخان نمود و در حضور محمدشاه «چند چوب‌یاسا برپای او زدند»<sup>۱۷</sup> و بقولی ده هزار تومان<sup>۱۸</sup> و بقول دیگر ۱۲ هزار تومان<sup>۱۹</sup> از او بعنوان جریمه دریافت نمودند و بعد هم او را بکاشان تبعید کردند (محرم سال ۱۲۶۲ق)<sup>۲۰</sup> و میرزا آقاخان از این تاریخ تا پایان سلطنت محمدشاه (ششم

۱۴ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۸۷ و ناسخ التواریخ ص ۱۶۹

۱۵ - ناسخ التواریخ ص ۱۶۸ و ص ۱۶۹ جلد دوم :

۱۶ - ناسخ التواریخ جلد دوم ص ۱۶۹-۱۷۰ و ج ۳ ص ۱۲ و مقاله «حاجی میرزا آقاسی»

بقلم آقای حسین سعادت نوری در مجلهٔ یمنه شماره ۱ سال هفتم

۱۷ - ص ۱۸۷ ج ۳ منتظم ناصری و تاربخ واتسن ص ۲۴۴ ترجمه آذری

۱۸ - منتظم ناصری ص ۱۸۷ ج ۳

۱۹ - ناسخ التواریخ ج ۲ ص ۱۷۰ و تذکرهٔ تاریخی نسخهٔ خطی ص ۲۵-۲۶ تألیف

میرزا فضل‌اله نوری برادر میرزا آقاخان .

۲۰ - ناسخ التواریخ . ص ۱۷۰ ج ۲ و تذکرهٔ تاریخی ص ۲۵-۲۶

شوال ۱۲۶۴ق) و روی کار بودن حاج میرزا آقاسی در آنجا بسر میبرد.<sup>۲۱</sup> میرزا آقاخان، اگرچه در این ماجرا، بظاهر رنج تبعید و زحمت چوب و سختی پرداختن جریمه را تحمل کرد ولی در حقیقت بسودا و تمام شد زیرا ناصرالدین میرزا ولیعهد که دانسته بود میرزا آقاخان از هواخواهان اوست و در راه هواخواهی او بزحمت و رنج گرفتار شده است او را بنواخت و چنانکه مؤلف ناسخ‌التواریخ نوشته است ناصرالدین میرزا بدست خویش خطی نگاشته بدوسپرد، و در آن وعده کرده بود «آن هنگام که تخت و تاج مرا باشد و اخذ خراج بهره من گردد وزیر لشکر را بمقامی رفیع تر از این بر کشانم و او را پاداشی پادشاهانه کنم،<sup>۲۲</sup> و این مقام رفیعتر، جز صدارت عظمی چیز دیگری نمی‌بود و نیل باین مقام هم اگرچه چندسالی بتاخیر افتاد ولی باید گفت اساسش از همین زمان گذاشته شد.

### میرزا آقاخان و مقدمات سلطنت ناصرالدین شاه

چون محمد شاه در گذشت، میرزا آقاخان پس از دو سال و هشت ماه و بیست و چهار روز تبعید<sup>۲۳</sup> بدستیاری مهدعلیا مادر ناصرالدین میرزا ولیعهد و پشتیبانی خارجی‌ها با داعیه صدارت عظمی بتهران آمد و در این مورد بی‌مناسبت نیست قسمتی از شرحی را که لسان‌الملک سپهر مؤلف ناسخ‌التواریخ در کتاب خویش ذکر کرده است نقل کنیم:

۲۱ - خان‌ملاک‌ساسانی در کتاب سیاستگران دوره قاجار در بخش مربوط بوندگاری میرزا آقاخان علت تبعید او را بنحو دیگری نوشته است (س ۱۴-۱۵) ولی چون مدرك خود را در این مورد ذکر نکرده و نگارنده هم در جای دیگر آن موضوع را ندیده، بهتر دانست آنرا باقیه احتیاط تلقی کند.

۲۲ - ناسخ‌التواریخ ج ۲ س ۱۶۹

۲۳ - س ۱۲ ج سوم ناسخ‌التواریخ



لسان الملك با آنکه خود از پروردگان نعمت میرزا آقاخان بود و در هیچ جا هم از مدح و تملق کوئی نسبت با او کوتاهی نکرده است<sup>۲۴</sup> در باره بستگی میرزا آقاخان با خارجی ها و مهدعلیا، ضمن شرح بازگشت او از کاشان و مقدمات سلطنت ناصرالدین شاه چنین می نویسد:

«پس چنان صواب شمرد (یعنی میرزا آقاخان) که نخستین شارژ دفردولت انگلیس را دیدار کند و از آنجا بدر بار شود تا ما را بدانند که اگر با او طریق مخاصمت سپرند دولت انگریز بنحصری ایشان جنبش خواهد کرد و پس با پذیره شدگان از دروازه دارالخلافه در آمد و شارژدفر را ملاقات کرد و از آن سوی، مهدعلیا و ستر کبری .... خطی بوزیر لشکر فرستاد که ... هم اکنون طریق حضرت گیر و بهمان عقیدت که از کاشان جنبش کردی برزیادت آماده خدمت باشی لاجرم وزیر لشکر باریک سلطانی در آمد و بفرمان مهد علیا در عمارت خورشید فروشد...»<sup>۲۵</sup>

واتسن G. Watson انگلیسی مؤلف کتاب «تاریخ قاجار» نیز در این مورد نوشته است:

میرزا آقاخان «در حادثه فوت شاه (یعنی محمد شاه) در نزدیکی یکی از دروازه های تهران ظاهر شد و از کاردار سفارت انگلیس تقاضا کرد که اجازه ورود بشهر را برای او تحصیل کند و مهدعلیا با خوشحالی بسیار اجازه بازگشت شخص تبعیدی را داد.»<sup>۲۶</sup>

بدین ترقیب میرزا آقاخان در هنگامه ورود ناصرالدین میرزا خود را بتهران رسانید و در انتظار ورود ولیعهد و با میدصداقت عظمی بفرام

۲۴ - از جمله در صفحه ۱۷۰ ج ۱ می نویسد: «... و مردم کاشان از وضع و شریف و قوی و ضعیف چون عید معلوک در طریق اطاعت او (یعنی میرزا آقاخان) سیر و سلوک همی کردند، خاصه من بنده که از مقامات ایشان در اطاعت و اقتیاد فرونی جستم، چندانکه وشاة سخن چین نزد حاجی میرزا آقاسی زبان بسعایت گشودند و این کردار را بر من خیانتی کردند.» به صفحه ۲۶۳-۲۶۴ و ص ۳۹۸-۴۰۳ ج ۳ ناسخ التواریخ نیز رجوع شود

۲۵ - ناسخ التواریخ ج ۳ ص ۱۲

۲۶ - ص ۲۲۴. ترجمه آذری.

ساختن زمینۀ کار پرداخت ولی چون خیر ورود او بتهران، بناصرالدین میرزا که در راه تبریز و تهران بود رسید، میرزا تقی خان فراهانی که پس از ورود بتهران امیر کبیر لقب یافت و در رکاب شاه بتهران می آمد، دستوری فرستاد که بکاشان باز گردد و در آنجا بماند تا شاه بعد از ورود بطهران او را احضار نماید. اما سفیر انگلیس بنزد مهدعلیا که خود نیز بیاز گشت میرزا آقاخان راضی بود، رفت و با اعتراض گفت دولت انگلیس هرگز رضای نخواهد داد که کسی مانند وزیر لشکر از این در دور باشد،<sup>۲۷</sup>

میرزا فضل اله وزیر نظام برادر میرزا آقاخان هم در کتابی که بنام تذکره تاریخی نوشته است با آنکه همه جا در کتاب خود با اعتلاء و براءت ساحت برادر خود کوشیده، باز در این مورد نتوانسته است حقیقت را پنهان نماید جز اینکه موضوع بستگی میرزا آقاخان بانگلیسیها را معلول فشار و تمذیبات میرزا تقی خان امیر کبیر جلوه داده است<sup>۲۸</sup>

با همه این احوال ناصرالدین میرزا چون به طهران رسید و به تخت پادشاهی نشست، میرزا تقی خان امیر نظام را به صدارت اعظم برگزید (سه شنبه ۱۲ ذی قعدة سال ۱۲۶۴ ق) و میرزا آقاخان به همان منصب وزارت لشکر باقی ماند تا آنکه یکسال بعد اعتمادالدوله لقب یافت<sup>۲۹</sup>. لیکن عمر صدارت میرزا تقی خان چندان دوام نیافت و بر اثر تحریکات و سعایت های بیگانه و خودی، معزول و به کاشان تبعید شد (یکشنبه ۲۲ محرم ۱۲۶۸ ق) و هم در آنجا بقتل رسید (۱۸ ربیع الاول ۱۲۶۸).

در مورد دخالت داشتن میرزا آقاخان در قتل میرزا تقی خان تردید نیست و بسیاری از نویسندگان و معاصران او هم این نکته را تأیید کرده اند، چنانکه واتسن نوشته است:

۲۷ - ج ۳ ص ۲۷-۲۸ ناسخ التواریخ مجلد قاچاریه .

۲۸ - وزیر نظام در این مورد چنین نوشته است : «... و بی معلوم و مشخص است که اگر شاهین، مقلب تسلط و تشطط گشاده دارد گنجشک بیچاره را چاره و پناه جز بوته و گیاه نیست. هر پیراهی را راهی لازم است و هر بی پناهی را پناهی. لابد، دولت انگلیس را از آن بشن المرید که فعال مایرید بود ممکن انس و استیناس خود نموده باحالت پناه، پناه بردیم...»

۲۹ - منتظم ناصری ج ۳ ص ۲۰۰

«صدر اعظم جدید ( یعنی میرزا آقاخان ) روابط خیلی نزدیک با مهد علیا داشت و آنها تصمیم گرفتند که هر چه زودتر امیر نظام را از پایتخت اخراج نمایند ولی چون او در طهران بود، موفق نمیشدند شاه را راضی بقتل شخصی که با صداقت با او خدمت کرده و باو بستگی داشت، بنمایند».<sup>۳۰</sup>

بارن دو پیشون<sup>۳۱</sup> سفیر فرانسه در ایران که در زمان صدارت میرزا آقاخان در ایران بوده است، در یکی از گزارشهای خود که راجع به ملاقات خویش با میرزا آقاخان نوشته، تلویحا میرزا آقاخان را مسبب قتل میرزا تقی خان امیر کبیر دانسته و میگوید: میرزا آقاخان ضمن گفتگوی خود سعی میکرد خود را از مسؤلیت قتل سلف خویش مبرا و برکنار سازد<sup>۳۲</sup> و این نکته میرساند که در همان زمان هم موضوع شرکت میرزا آقاخان در قتل امیر کبیر در میان مردم شایع بوده است.

در کتاب صدرالتواریخ نیز که مؤلفان آن خود با میرزا تقی خان و میرزا آقاخان، همزمان بوده اند، در شرح بصدارت رسیدن میرزا آقاخان نوشته شده ناصرالدین شاه پس از عزل امیر کبیر به میرزا آقاخان پیشنهاد صدارت را کرد ولی او قبول این منصب را موکول به پذیرفته شدن دوش شرط نمود که یکی از آن دوش شرط قتل میرزا تقی خان بود.<sup>۳۳</sup>

### صدارت عظمی

بهر حال، میرزا آقاخان که از دیر زمانی آرزوی صدارت عظمی را در سر میپرورانید و در انتظار چنین فرصتی روز شماری میکرد، برای بدست آوردن مقام صدارت، مساعی و تلاش خود را بکار میبرد ولی شایعه بستگی های او با سفارت انگلیس و سخنهایی که راجع به حمایت سفارت انگلیس از او بر سر زبانها بود<sup>۳۴</sup> مشکلی بزرگ در انتصاب او پیش آورده بود.

۳۰- تاریخ ۱۱۴۱ ص ۲۶۶

۳۱- Baron de Pichon

۳۲- اسناد و مکاتبات سیاسی ایران، در بایگانی وزارت خارجه فرانسه.

۳۳- نسخه ماضین هدهه متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات تهران.

۳۴- به کتاب امیر کبیر و ایران تألیف دکتر آدمیت صفحات ۶۲۸ و ۶۸۴ رجوع

کنید (چاپ اول)

این است که میرزا آقاخان نام‌فزیرا که ضمن مجموعه‌ی در کتابخانه سلطنتی موجود میباشد بناصرالدین شاه نوشت :

«این چاکر قدیمی پدر بر پدر خانه‌زاد و نمک پرورده این آستان مبارک بوده محمد حسینخان مرحوم و آقا محمد شاه مرحوم و خاقان مغفور و شاه مرحوم مبرور [را] خودم و اجدادم بارث خدمت کرده‌ایم . بصدقت رعیت و نوکر خانه‌زاد شاهنشاهی روحی فداه هستم . کسی را یارای تخلف از این حرف و گفتار نیست و اگر خدا نکرده از این فدوی قدیمی جان نثار خیانتی دولتی سر بزند مورد مؤاخذه شاهنشاه روحی فدا باشم لیکن استدعای این چاکر این است اگر عرضی شود تحقیق شود و بعد از اثبات عقوبت شود .  
تحریراً فی محرم ۱۲۶۸»

و سپس در حاشیه این عریضه ، میرزا آقاخان چنین افزوده است :

«این بنده در گاه در وزیر حمایت هیچ دولتی به جز در ظل حمایت شاهنشاه ایران خلداله ملکه نوستم و امید الطاف و مرحمت از این آستان مروت نشان داشته و دارم ، ۳۵»

در پشت این نامه مهر بادامی شکل میرزا آقاخان که نقش آن «عبده آقا خان بن اسداله» بوده خورده است .

بدین ترتیب این مانع هم از راه صدارت میرزا آقاخان برداشته شد و میرزا آقاخان بر مسند صدارت عظمای ایران نشست ( یکشنبه بیست و دوم محرم ۱۲۶۸ قمری) و نقش شیروخورشید را بر مهر خود افزود .  
اما زمره مخالفان و تحریکات علیه میرزا آقاخان از فردای همان روز که او بصدارت انتخاب شد ، آغاز گردید .

مؤلف حقایق الاخبار مینویسد : بعد از قتل امیر کبیر چندتن از امنای معتبر و معظم دولت ، برای منصب صدارت مورد نظر بودند ولی بالاخره شاه ، میرزا آقاخان را بصدارت برگزید و از آن پس ، هر روز هم عنایت و مرحمت تازه‌ی نسبت بوی میشد و به القابی مانند شخص اول ، نوین اعظم و جناب



میرزا آقاخان اعتماد الدوله صدر اعظم نوری

اشرف امجد افخم ، مخصوص میگردید و ناصر این شاه «بیرون از اسم سلطنت آنچه از لوازم کار پادشاهی و نفاذ او امر و نواهی بود بوی تفویض فرمود»<sup>۳۶</sup> بدیهیست اینهمه مرحمت و لطف که از جانب پادشاه وقت نسبت به میرزا آقاخان ملحوظ میگردید خود موجب به-رانگیخته شدن حس حسادت و دشمنی اطرافیان و مخصوصاً آنها که سالها به امید و درانتظار رسیدن بمقام صدرات می بودند میشد . دشمنی ها و مخالفتها و برائت آنها تحریکات و فسادهایی که برای برانداختن میرزا آقاخان صورت گرفته است از همین جا آغاز گردیده و اشتباهات و نقاط ضعف و خصوصیتهای اخلاقی خود او نیز بر این آتشها دامنها زده است تا جائیکه بالاخره خرمن هستی وی را بآتش سوخت .

هفت سال زمان صدرات میرزا آقاخان ( از محرم ۱۱۶۸ تا محرم ۱۲۷۵ قمری) در حقیقت در مبارزه با این تحریکات و دسته بندیها گذشت و پیداست شخصی چون میرزا آقاخان که صفت جاه طلبی و خود خواهی و بی اعتنائی نسبت بمردم بعداعلی در وجودش متمرکز می بود<sup>۳۷</sup> در طول این مبارزات ، هرگز جز با بقاء خود بر مسند وزارت اعظم و «جبه دورمروراید صدرات»<sup>۳۸</sup> بچیزی دیگر نمی اندیشید و بالطبع در این راه مرتکب خبط و خطاهائی میشد که بهانه بدست مخالفان میداد .

میرزا آقاخان بعد از آنکه بصدرات رسید ، با آنکه مهمترین مشاغل دولتی ایران را بدست آورده بود ، باز وزارت لشکر را بخود اختصاص داد و میرزا داودخان پسر پانزده ساله خود را بوزارت لشکر گماشت<sup>۳۹</sup> و هر چند ضربهای فراوان هم میدید<sup>۴۰</sup> باز آن را ازدست نمیداد. همین اصرار او در حفظ

۳۶- حقایق الاخبار ناصری در شرح وقایع سال ۱۲۷۵.

۳۷- در این باره رجوع به نامه های خصوصی میرزا آقاخان مفید است

۳۸- دك به عكس نامه میرزا آقاخان (عكس...)

۳۹- ص ۶۲۷ جلد دهم دروשה الصفاى ناصرى .

۴۰- میرزا آقاخان خود در اواسط دوره صدارتش که بالاخره مجبور بواگذاری مقام وزارت لشکر شده بود در يك نامه خصوصی در همین زمینه می نویسد: « صلاح خود را نمیدانم ، اسم يك نوكر و يك لشكر نویس را بوزبان بیاروم . دست کشیدم از وزارت لشکر . اسم بپریم تمام» (اصل نامه در مجموعه خانبا با نوری)

وزارت لشکر، خود یکی از بهانه‌های فراوان برای تحریکات و فساد مخالفان او گردید. از طرفی چون میرزا آقاخان در رعایت خویش و تبار بی‌اختیار بود، از همان بدوروی کارآمدن خود، هر یک از بستگان خویش را که کرد او میبودند بکاری گماشت و بشهری مأمور کرد<sup>۴۱</sup> کار این خویش و همسایه‌داری و با بقول مؤلف تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، «کار این کشاورزی»<sup>۴۲</sup> بجائی کشید که میرزا آقاخان برای حفظ منافع شخصی و مصالح بستگان و آشنایان خود بسیاری از اشخاص و درباریان را از دربار راند و بالنتیجه بر عده مخالفان او افزوده شد و این عده در برانداختن او یکدل و یکجهت شدند تا جائی که رفته رفته شاه را هم نسبت بوی بد گمان ساختند.

مرحوم عبدالله مستوفی می‌نویسد: «شاه که از کشاورزیهای صدر اعظم تنگ آمده بود شروع بتجزیه کارها و کوچک کردن کار صدارت نمود. اول از نظام شروع کرد و عزیزخان مگری سردار کل را در کار قشون مسؤل قرار داد و جلویک قسمت از کشاورزیهای صدر اعظم را گرفت. در کارهای فرهنگی هم علیقلی میرزا را بدون اسم بوزارت علوم برقرار کرد. میرزا سعیدخان را هم با لقب مؤتمن الملکی بوزارت خارجه ترقی داد ولی کار وزارت کشور (وزارت داخله) همچنان با صدر اعظم بود. اما کار مالیه با وجود میرزا ناصراله و بیرالملک و مستوفیان دیگر از حیف و میل اساسی مصون بوده و صدر اعظم با وجود وزارت مالیه نظام الملک، پسرش، در این قسمت نمیتوانست کشاورزی بکند. ولی میرزا آقاخان نمیخواست دست از مداخله‌های خود بکشد و بهر کیفیت که بود استقلال و زرائی را که ناصرالدین شاه در مقابل او واداشته بود سوسه‌دار می‌نمود»<sup>۴۳</sup> این وضع ها خود بخود موجب میشد که مخالفان میرزا آقاخان از هر فرصتی برای برانداختن او استفاده می‌کردند.

نامه‌یی بخط میرزا آقاخان در دست است<sup>۴۴</sup> که مورخ بتاریخ رجب

۴۱- حقایق الاخبار ناصری وقایع سال ۲۷۵۰ و کتاب اقلیم نور ص ۲۳۶

۴۲- ج ۱ ص ۸۷ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار. چاپ دوم

۴۳- همان صفحه از همان کتاب

۴۴- ر. ک به عکس این نامه (عکس ۲)





(۱۲۷۱) میباشد و از فحوای آن برمی آید که در این روزها خاطر ناصرالدینشاه نسبت بصدر اعظم مکدر بوده و میرزا آقاخان در طی آن بمنظور برآوردن ساحت خود، در آن نامه شرحی از خدمات خویش نوشته است. ۴۵

از مطالب این نامه نیز پیداست که معاندان میرزا آقاخان در این روزها او را متهم بحیف و میل مالیه دولت کرده بودند و شاه از این بسابت اظهار نگرانی کرده است و بدین سبب میرزا آقاخان بعد از شرح خدمات خود می نویسد: «... مقصود اینست که میفرمائید بی پولی پوست ما را کند... پادشاه هستید و مختار همه چیز. بر ما بندگان یارای تعرض نیست و الان چهل هزار تومان بلکه پنجاه هزار تومان از بنده کمترین برای مصارف کارهای پادشاهی میخواهند و بآن قسم هم خود فرمایش میکنید... بنده کمترین سوالی میکنم جوابی بفرمائید پانزده سال است دخل و تصرف در ایران داریم و پیوسته آه و ناله. مالیات ایران را چه میشود؟ که می برد؟ از مردم پول نگیرید. بنده چکنم. اگر میدانستم که ندارید بهر وضعی بود پنجاه هزار تومان را در سه روز پیدا میکردم و از تنگی خلاص میشدید نه اینکه بنده قرض بکنم و مردم بخورند، سپس صورت ریز مالیات کشور و مخارج مملکت و دولت را ذکر نموده است.

### هویت میرزا آقاخان

بوره Bourée وزیر مختار فرانسه که در همین ایام در تهران بوده است، در نامه‌یی که بتاريخ دوازدهم محرم ۱۲۷۲ هجری (۲۵ سپتامبر ۱۸۵۵ م) و خطاب بوزیر امور خارجه فرانسه نوشته است، از سیاست دولت وقت ایران بتفصیل

۴۵ - اصل این نامه متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی استاد دانشگاه تهران است برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این نامه و تاریخ انشاء آن بمقاله نگارنده در مجله راهنمای کتاب شماره ۶ و ۷ سال ششم رجوع کنید


صحبت کرده و در این نامه در خصوص میرزا آقاخان می نویسد<sup>۴۶</sup> :

«میرزا آقاخان ابتدا نسبت به سفارت انگلیس که سالها حامی او بود با وفا و صمیمی ماند اما روابط او با آن سفارت بزودی جنبه خطرناکی بخود گرفت زیرا دشمنان وی که عموماً ایرانیان هستند در زد و بندهای دامنه دار و اختلاسهای او سهم و جایی ندارند شاه را متقاعد کرده اند همانگونه که سلف میرزا آقاخان ساخته روسهامی بود<sup>۴۷</sup> ، او هم پرداخته انگلیسهاست که خود را برای حفظ منافع ایشان بآنها فروخته است و باین جهت بپیشرفت قدرت انگلیسها در خلیج فارس و توسعه نفوذ آنها در فارس و بخصوص برای توفیق سیاست دیرین انگلستان که مبنی بر انتزاع هرات از قلمرو حکومتی ایران و الحاق آن بکابل و قندهار میباشد ، تسلیم و راضی است» .  
و سپس چنین اضافه می کند :

«دشمنان صدراعظم با نقشه صحیحی که در همه حال ناشی از کینه ایست که نسبت باو دارند ، پیش میروند زیرا شاه نسبت بانگلیسها که او را همیشه بیستن قراردادی محرمانه با روسها (قرارداد ماه رجب ۱۲۷۱) متهم میکنند نفرت خاصی دارد و میرزا آقاخان هم برای اینکه بشاه حسالی کند تهمت جانبداری از انگلیسها که بساو نسبت میدهند بی اساس است ناگزیر خود را از سفارت انگلیس کنار کشیده و در روابط و مکاتبات خود با انگلیسها خشونت و درشتی نشان داده است و حتی مخالفت او با خواستههای آنها، جنبه جدی و سخت هم بخود گرفته است و این همان وضعی است که

۴۶- برگ ۲۲۳ - ۲۲۴ جلد ۲۵ اسناد مربوط بایران ( د . ک به عکس ۳ از سطر ۱۱ بعبد و عکس ۴ ) . واتسن هم در تاریخ قاجار در این خصوص چنین نوشته است : «شاهزاده دلکروگی سفیر روسیه از این جهت ناراحت بوده که میرزا آقاخان که خود را وابسته و متکی بانگلیس می دانست و بآن افتخار میکرد جانشین او شود ( یعنی جانشین امیر کبیر ) . قاعده چنین شخصی بپیشرفت نفوذ انگلیس بیشتر ملاحظه است تا نفوذ روسها ، - س ۲۷۰ ترجمه آذری .

۴۷- برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به س ۳۳۳ تا س ۳۴۲ کتاب میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف اقبال آشتیانی .

La vie d'un ministre tombé et qu'un  
 homme prudent ne devrait pas  
 songer à se ménager pour le jour  
 du péril une protection aussi  
 suspecte au Roi. Cela à dessein  
 politiquement  prise à l'alliance  
 russe qui ne pourrait lui être  
 personnellement bonne à rien,  
 la conséquence était logique pour  
 un Nizir Persan.

Mirza Alpha Khan resta d'abord  
 fidèle à la Légation Anglaise dont  
 il avait été pendant longtemps le  
 protégé, mais ses relations avec

elle devenaient bientôt dangereuses,  
car les ennemis, et les ennemis sont  
tous les Persans tenus en dehors de  
son vaste système de concussions,  
persuadèrent au Roi que, de même  
que le prédécesseur de Linga-Aspa  
khan avait été une créature russe,  
le ministre actuel était une vaine  
Anglaise vendue aux intérêts  
Britanniques et, à ce titre, disposé à  
se prêter à la prépondérance des  
Anglais dans le Golfe Persique, à  
l'extension de leur influence au nord  
de l'Irak et surtout au succès de la

شاه می‌خواهد و تهیه مقدمات اردو کشی بهرات نیز نتیجه همین سیاست می‌باشد. اما حاصل این روش برای صدراعظم این است که دشمنی و کینه انگلیسها را نسبت بخود برانگیخته و این دشمنی و مخالفت، بالاخص برای صدراعظم که سوابقی بسیار صمیمی و قدیمی و همچنین احساساتی ناشی از عللی محرمانه با سفارت داشته است بسیار گران تمام می‌شود و بدین نحو روزی که صدراعظم مورد بی‌رحمتی شاه واقع شود چون با روسها هم رابطه‌دوستی نداشته و ندارد و از انگلیسها نیز خود را بکنار کشیده است، تکیه گاه و حامی دیگری برای او باقی نخواهد بود. ۴۸

با این حال میرزا آقاخان با زیرکی و تدبیر خاص خود توانست موقعیت خود را علیرغم کوششهای دشمنان حفظ نماید و با آنکه مخالفان او هرروز بنحوی توطئه‌ای برضد او برمی‌انگیختند باز مورد لطف و مرحام ناصرالدین شاه بود ولی رفته رفته کشمکشهای دولتین ایران و انگلیس بر سرمسأله هرات شدت یافت و بالنتیجه بر تیرگی روابط انگلیسها و میرزا آقاخان افزوده شد و در چنین وضعی، موقعیت میرزا آقاخان بیشتر در خطر افتاد زیرا - دولت انگلیس در اتمام حجت مورخه بیست و ششم ربیع الاخره ۱۲۷۳ (۲۲ نوامبر ۱۸۵۶) خود که سفیر آن دولت در استانبول به فرخ خان امین - الملك نماینده فوق‌العاده ایران تسلیم نمود طی ماده ششم آن انفصال و عزل صدراعظم ایران را خواسته بود ۴۹ و از طرفی دشمنان داخلی میرزا آقاخان هم در مخالفت و دشمنی خود بیشتر مصر شدند به قسمی که کنت دو کبینو ۵۰ که در این روزها پس از بازگشت مسیو بوره، موقتاً عهده دار امور سفارت فرانسه در تهران بود، در گزارش شماره پانزده، مورخه بیست و چهارم جمادی الاخره ۱۲۷۳ (۳۰ فوریه ۱۸۵۷) در خصوص موقعیت میرزا آقاخان می‌نویسد:

۴۸ - یشت برگ ۲۲۴ و ۲۲۵ برگ مجلد ۲۵.

۴۹ - ص ۵۹ کتاب جنگ ایران و انگلیس.

Conte de Gobineau - ۵۰

و گرداگرد صدر اعظم را دشمنانش گرفته اند. همه میدانند که ملکه مادر شاه وزن سوکلی پادشاه (منظور جیران خانم فروغ السلطنه است) و همعین خواهر شاه که عروس میرزا آقاخان است<sup>۵۱</sup> و بالاخره تقریباً تمام درباریان برضاد و هستند و صدر اعظم در چنین موقعیتی جز به سه موضوع که افزودن تمول خود، حفظ آن و دفاع از جان خویش باشد بچیز دیگری توجه ندارد<sup>۵۲</sup>. در همین گیرودار معاهده صلح پاریس میان ایران و انگلیس بسته شد (هفتم رجب ۱۲۷۳) و چون برخلاف سابق. در آن صحبتی از عزل صدر اعظم نبود موجب آرامش خیال و تحکیم موقعیت میرزا آقاخان شد<sup>۵۳</sup> و فرصتی بدست میرزا آقاخان آمد که ببر انداختن مخالفان خود بیندیشد.

### میرزا صادق قائم مقام هم بدشمنان میرزا آقاخان می پیوندد.

بطوریکه از مدارک موجود در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه برمیآید، در همین روزها میرزا صادق قائم مقام برادرزاده میرزا آقاخان که حکمران تبریز و مردی بسیار متعین و متکبر بود و با ظلم و تعدی ثروت و پول گزافی بدست آورده بود، چون خود را برای صدارت نیز شایسته تر از عم خویش میدانست و در باطن هم صفایی با میرزا آقاخان نداشت، در توطئه ای برضد عم خود شرکت نمود.<sup>۵۴</sup>

۵۱- منظور عرت الدوله میباشد که ابتدا همسر میرزا تقی خان امیر کبیر بود و چون امیر کبیر بقتل رسید، باصرار میرزا آقاخان، ناصرالدین شاه او را راضی به همسری با نظام الملك پسر میرزا آقاخان نمود.

۵۲- هشت برگ ۸۱ جلد ۲۸ اسناد مربوط بایران

۵۳- عباس اقبال در حواشی کتاب جنگ ایران و انگلیس می نویسد «موقعی که متن این معاهده بطهران بدست میرزا آقاخان صدر اعظم رسید و دید که انگلیسها برخلاف سابق که جدا عزل او را از صداوت میخواستند دیگر از این بابت گفتگویی نکرده اند خدا را شکر نمود که اگر هرات و افغانستان الا دست رفته بلا صدارت او باقی است و انگلیسها در خصوص عزل او دیگر اصراری ندارند» ص ۱۲۳.

۵۴- برگ ۱۱۵ تا برگ ۱۲۰ جلد ۲۸ اسناد وزارت خارجه فرانسه - نامه مورخه ۴ آوریل ۱۸۵۷ (۸ شعبان ۱۲۷۳ ق) و ص ۲۵۲ ج ۳ منتظم ناصری- در این مورد بمقاله نگارنده در مجله نیما (شماره ۶ سال ۱۷) تحت عنوان «تعطی سال ۱۲۷۳ قمری» رجوع نمود.

از قرار معلوم این خیالات او را بگوش میرزا آقاخان رسانیده بودند و در نتیجه، میرزا آقاخان نیز که بدشمنان و مخالفان خود، اگر چه از نزدیکان و منسوبان او هم می‌بودند، هرگز ابقاء نمی‌کرد در صدد دفع میرزا صادق برآمد. این است که می‌بینیم در ماه رجب ۱۲۷۳ ق بعلت قحطی‌نان، بلوایی سخت در تبریز برپا گردید و میرزا صادق قائم‌مقام بجرم اهمال و بی‌کفایتی بتهران احضار و میرزا فضل‌اله وزیر نظام برادر میرزا آقاخان بجای او به تبریز رفت.<sup>۵۵</sup>

در اینکه غائله قحطی تبریز بتحریر میرزا آقاخان بوده است تردیدی نیست چه علاوه بر اینکه «کنت دو کبیشنو» وزیر مختار فرانسه در ایران در گزارشهای خود آن واقعه را بدستور او میداند،<sup>۵۶</sup> نادر میرزا مؤلف کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نیز خود شاهد قضیه بوده و بتصریح آن را بمیرزا آقاخان نسبت میدهد.<sup>۵۷</sup>

۵۵ - مقاله قحطی سال ۱۲۷۳ قمری در تبریز، بقلم نگارنده در مجله یفما شماره ۶

سال ۱۷.

۵۶ - برگ ۱۱۵ جلد ۲۸ اسناد ایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه.

۵۷ - نادر میرزای نویسنده: «سال یک هزار و دو بیست و [مفتاد و سه] از هجرت که میرزا صادق نوری از حضرت خلعت بریاست ملک (منظور آذربایجان است) مقرر بود و قایم مقام مغایبه یافته، او جوانی بود مغرور و مغزی تنگ داشت و از شاهنشاه باد وزارت بدماغ او دیده بودند. عم او که صدارت ایران داشت از اوهراسی داشت و پنهانی بحکمران ملک در شکستن سورت جنون او سخن داشت تا چنان افتاد که نرخ نان عالی شد، پیره زنان و مردم بی‌سروبی با بدرگاه شدند حکمران گفت را در اینکار ناه و جعلی نیست غلات دیوانی سپرده قایم مقام است از او چاره بایدخواست. این سخن مکرر شد تا سحر گاهی چند تن روی پوشیده بی‌آزار شدند، خروش وزاری آغاز کردند که قایم مقام غلات بانبار کرده بدان علت نان کمتر یابیم، همه بی‌شوی باشیم و ارزانی. خدا را بما یاری دهید و لغتی بیای باشید. مگر مرد بناچار کندم دعد و مسا از بی‌ترائی برهیم. سعی کردند هنگامه طلبان خود این روز همی خواستند بشوریدند و بگردسرای قایم مقام انبوهی شد. انصاف این است و من از دیده سخن گویم. مرد را در اینکار بزه نبود مگر اینکه بسال بر او مغرور بود.... قایم مقام بیباغ بیگلربیگی شد، بکوی نوبران جای نیز نتوانست بود بدار الخلافه شد. دستور بزرگ برادر خود وزیر نظام را بار دویم پفرستاد.

(ص ۲۵۳ - ۲۵۴). بمقاله قحطی سال ۱۲۷۳ قمری نیز رجوع شود.

این وضع نیز خود بهانه دیگری شد که خاطر شاه را نسبت بصدراعظم مشوب سازد، چه بعرض شاه رسانیده بودند که غائله تبریز بمحرک میرزا آقاخان روی داده است و کبینو در این خصوص می نویسد شاه با تغییر خاطر خطاب بمیرزا آقاخان گفته بود «جناب صدراعظم باید بسیار خوشحال باشید که در مخالفت با برادرزاده خود بمقصود رسیدید».<sup>۵۸</sup>

سپس، کبینو اضافه میکند «عقیده و نظر درباریان و حرم شاه و همچنین بازاریها که عموماً در این روزها با میرزا آقاخان بخاطر روش سیاسی<sup>۵۹</sup> مخالفند بنفع قایم مقام است و احتمال میرود پس از ورود قایم مقام بتهران سقوط میرزا آقاخان حتمی باشد».<sup>۶۰</sup>

بدین ترتیب میرزا صادق قایم مقام بتهران احضار شد اما<sup>۶۱</sup> میرزا آقاخان او را بجرم ارتشاء و سوء استفاده از قدرت و اهمال و غفلت در انجام وظیفه بدست حاجب الدوله سپرد و او هم بنام خزانه دولت و باسم جریمه چندین هزار تومان از او گرفت<sup>۶۲</sup> و در نتیجه قایم مقام نیز بگروه مخالفان جدی

۵۸ - برگ ۱۱۵ جلد ۲۸ اسناد مربوط بایران نامه مورخه ۱۴ آوریل ۱۸۵۷ (شعبان ۱۲۷۳).

۵۹ - اشاره بمشی سیاسی میرزا آقاخان در مسائل معاهده سری با روسها، قطع روابط انگلیس و ایران و عقد عهدنامه پادیس (رجب ۱۲۷۳ ق) و انتزاع افغانستان و مرو از ایران است و برای آگاهی از این مباحث که خود چند فصل از تاریخ زندگانی سیاسی میرزا آقاخان را تشکیل میدهد رجوع شود به تاریخهای دوره قاجار و کتاب جنگ ایران و انگلیس ترجمه آقای حسین سعادت نوری (از ص ۳۷ تا ص ۶۰) و سه فصل مشبع از تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود (نصول سی ام و سی و یکم و سی و دوم).

۶۰ - برگ ۱۱۶ جلد ۲۸ اسناد ایران.

۶۱ - قایم مقام هنگام حرکت بتهران در نامه بی بیکی از دوستان خود نوشته بود میرزا آقاخان یزید بن معاویه است و من با او هیچ نسبتی ندارم. لیاقت من برای صدارت ایران بمراتب بیشتر از اوست. «(صفحه پشت برگ ۱۱۵ جلد ۲۸ اسناد ایران) اما این کاغذ در تهران بدست میرزا آقاخان افتاد و تصمیم گرفت بهروضی که باشد میرزا صادق را بکلی خرد و خراب کند و پشاه نیز ثابت نماید که مسبب بلوای تبریز هموست.

۶۲ - برگ ۱۹۲ - ۱۹۳ جلد ۲۹ نامه بارون دوپیشون بوزارت خارجه فرانسه - برابر نوشته میرزا فضل اله وزیر نظام در تذکره تاریخی، مبلغ این جریمه شصت هزار تومان بوده است (ص ۸۸ نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران).



میرزا آقاخان پیوست ۶۳

## دشمنی جیران ، سوگلی ناصرالدین شاه

از طرف دیگر ، مقارن این احوال ، شاهزاده سلطان معین‌الدین میرزا ولیمهد دوم ناصرالدین‌شاه تازه‌درگذشته بود (دوم ربیع‌الاول ۱۲۷۳ ق) و شاه هم هنوز ولیمهدی نداشت ، جیران خانم ملقب بفرغ‌السلطنه زن سوگلی‌شاه برای ولایتمهدی پسر خود امیر محمد قاسم میرزا امیر نظام سخت تلاش می‌کرد و چون در راه مقصود خود بمشکلاتی بر می‌خورد ، مخالفان میرزا آقاخان باو چنان فهمانیدند که آن مشکلات توسط میرزا آقاخان بوجود می‌آید و از این رو جیران را هم در توطئه خود برضد صدراعظم وارد کردند.<sup>۶۴</sup>

چنانکه از مدارک وزارت خارجه فرانسه بر می‌آید . مقارن ماه شوال ۱۲۷۳ پنج‌تن از رجال معتبر دربار ، عزیزخان سردار کل ، مستوفی‌الممالک ، دبیر‌الملک ، حاجی علیخان حاجب‌الدوله و میرزا صادق قسایم مقام با سوگلی شاه برای برانداختن صدراعظم دست بهم داده و هم‌سو گندشده بودند که کلیه خطاها و خیانتهای صدراعظم را روی کاغذ آورده توسط حاجب‌الدوله حاجی علیخان بدست سوگلی شاه برسانند.<sup>۶۵</sup>

در مجموعه‌ای حاوی نامه‌هایی بخط ناصرالدین‌شاه هم که عموماً بمیرزا آقاخان نوشته شده و این مجموعه در بریتش میوزیوم ضبط است<sup>۶۶</sup> ، نامه ایست

- ۶۳ - کنت دو کبینو از دشمنی میرزا آقاخان نسبت بمیرزا صادق قسایم مقام شرح‌چالبی نوشته است . ر . ک به مقاله قحطی سال ۱۲۷۳ قمری در تبریز ،
- ۶۴ - برگ ۱۹۹ جلد ۲۸ اسناد ایران - در مورد تعریکات و کوششهایی که در راه ولایتمهدی میشد بمقاله ولیمهدهای ناصرالدین‌شاه ، بقلم نکاترنده در مجلهٔ ینما شماره پنجم و ششم سال پانزدهم رجوع کنید .
- ۶۵ - برگ ۱۹۹ و ۲۰۱ جلد ۲۸ اسناد ایران در بایگانی فرانسه ، نامه مورخه ۱۵ ژوئن (۲۲ شوال) کنت کبینو . بموجب همین مدارک واسطهٔ بین حاجب‌الدوله و جیران ، زن حاجب‌الدوله از محارم و دوستان صمیم جیران بوده است .
- ۶۶ - مجموعه شماره Or . 11665 - نسخه‌ای عکسی از این مجموعه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و به علاوه متن نامه‌های مزبور را هم آقای غلامرضا فرزانه پور در چند شماره از مجلهٔ ینما (سال چهاردهم شماره‌های ۵ و ۶ و ۸) بچاپ رسانیده‌اند .

که درباره موضوع ولایتمهدی امیر نظام نوشته شده و در آن ناصرالدین شاه نوشته است «جناب صدراعظم، حرف زنانه در میان نبوده و هرگز نخواهد بود. زنانه یعنی چه؟ منظور این بود که فی نفسه مراقب امیر باشید. چون صاحب منصب است مثل فلان پسر بی‌منصب، بی‌عظم نباشد...»

از فحوای این عبارات برمی‌آید که میان صدراعظم و شاه، مذاکره‌ای شده بود و احتمالاً شاه اظهار بی‌لطفی نسبت به صدراعظم کرده است و میرزا آقاخان تغییر خاطر شاه و بی‌لطفی او را نسبت بخود ناشی از بدگوئیهای زنانه (یعنی از ناحیه فروغ السلطنه) دانسته است.

اگرچه، ناصرالدین شاه، در این نامه صریحاً منکر وجود حرف‌های زنانه شده است اما وقایع بعدی نشان می‌دهد که گمان میرزا آقاخان دور از حقیقت نبوده زیرا مقارن این احوال روزی شاه به میرزا آقاخان گفته بود «مادر امیر نظام از رفتار شما راضی نیست. بشمامهلت می‌دهیم که در اندک مدتی رضایت خاطر او را بدست آورید»<sup>۶۷</sup>.

پس از این تذکار شاه، میرزا آقاخان دریافت همه چیز او در معرض خطر است و برای ابقاء و حفظ خود باید رضایت خاطر جیران را بدست آورد. بدین سبب میهمانی مفصلی به خاطر جیران در باغ جدید الاحداث خود (باغ نظامیه) برپا نمود و زمینه را با زیرکی و تدبیر برای جلب رضایت جیران فراهم ساخت و پس از آنکه از توطئه‌یی که بر ضد او ترتیب داده شده بود آگاه شد به جیران قول داد برای ولایتمهدی امیر نظام جفا کوشش خواهد کرد. ولی میرزا آقاخان با تحصیل طرفداری جیران، حمایت مهدعلیا را که با ولایتمهدی

۶۷ - برگ ۲۰۱ مجلد ۲۸ اسناد ایران، گزارش کنت دوکینو و در کتاب تذکره تاریخی هم شروعی در همین زمینه ذکر شده که به منظور تأیید دخالت جیران (فروغ السلطنه) در تحریکات علیه میرزا آقاخان قسمتی از آن‌را در اینجا نقل میکنیم: «مدهیان صدارت خورد خورد هنگامه آرائی نموده فروغ السلطنه را که در سلك خادمان حرم محترم منسلک و منظرط و محل میل مفسرط حضرت شاهنشاه بود و کمال اعتماد و اعتقاد حضرت ظل‌اللهی بدو داشت، برین داشتند که او در اندرون و خود از بیرون در حق جناب صدارت سعایت نمایند...» (ص ۶۵ نسخه خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران).

امیر نظام مخالف بود از دست داد و از این تاریخ مهدعلیا هم بر عده دشمنان و مخالفان صدراعظم افزوده شد.<sup>۶۸</sup>

کنت دو کبینو شرح این وقایع را به تفصیل در نامه‌یی که بوزارت خارجه فرانسه فرستاده نوشته است. بنا بر یادداشت‌های او، حاجب الدوله توسط زن خود که دوست صمیمی جیران بود از موضوع مذاکرات فروغ السلطنه و میرزا آقاخان باخبر شد و همینکه جیران از خانه صدراعظم بیرون رفت خود را به میرزا آقاخان رسانید و از هر دوی سخن بمیان آورد تا آنکه از توطئه برضد او صحبت نمود و در ضمن حالی او کرد و در توطئه مزبور بهیچوجه شرکت نداشته و فقط از نظر اینکه حاجب دربار شاه است و باید از همه چیز باخبر باشد، در جلسه دشمنان صدراعظم حضور یافته است و سپس به صدراعظم قول داد و سوگند یاد کرد<sup>۶۹</sup> که برضد او قدمی برندارد و صدراعظم نیز بهمین سبب از کبینو خواهش کرد دولت فرانسه يك نشان لژیون دونور<sup>۷۰</sup> برای حاجب الدوله بفرستد.<sup>۷۱</sup>

میرزا آقاخان از همان روز مصمم شد بهر طریق باشد سردار کل و مستوفی- الممالک و بقیه دشمنان خود را از دربار طرد نماید و این کار را هم کرد چنانکه می بینیم مؤلف حقایق الاخبار نوشته است « عزیز خسان سردار کل را بجرم جرائم مجهول معزول گردانید<sup>۷۲</sup> ( یعنی میرزا آقاخان) و مناره بخت میرزا یوسف مستوفی الممالک را بدرجه حبول وافول رسانید. آن را به صحر او دشت

۶۸ - رجوع کنید به مقاله ولیمهد های ناصرالدین شاه که پیش از این بدان اشاره شده است.

۶۹ - میرزا آقاخان خود نیز در نامه‌ای که بعدها در ایام معزولی به میرزا محمد مهدی پسرعم خود نوشته به سوگند حاجی علیخان اشاره نموده است. این نامه ضمن نامه دیگر از میرزا آقاخان در تصرف شادروان خانبابا نوری بوده است

۷۰ - Legion d'honneur.

۷۱ - برگ ۲۰۴ جلد ۲۸ اسناد ایران در وزارت خارجه فرانسه

۷۲ - راجع به دشمنی میرزا آقاخان و عزیزخان سردار کل به مقاله مشبح دانشمند فقید عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار شماره ۲۹۱ سال چهارم رجوع کنید.

سردشت سرداد و این را بدهات و صحرا نشینان آشتیمان فرستاد . « ۷۳ و بدین ترتیب باز « جمیع امورات عسکریه و غیر عسکریه » با و محمول گردید<sup>۷۴</sup> (بسیستم شوال ۱۲۷۳) و بارانده شدن مخالفان ، میرزا آقاخان توانست با فراغبال به مسأله ولایتمهدی امیر نظام که مورد توجه ناصرالدین شاه می بود بپردازد و در قبال آن جای خود را محکومتر نماید و بدین قرار چند ماه بعد در ۱۴ ربیع الاول ۱۲۷۴ فرمان ولیمهدی امیر نظام صادر شد و با صدور این فرمان قدرت و صدارت میرزا آقاخان تثبیت گردید .

### تحریر یگات مخالفان

اما این وضع چندان نپائید زیرا امیر نظام ولیمهدی بیمار شد و مخالفان میرزا آقاخان چنان وانمود کردند که او پسرش نظام الملک که وزارت و پیشکاری ولیمهدی را داشت ولیمهدی را مسموم نموده اند و بدین سبب جیران مادر ولیمهدی را نسبت به میرزا آقاخان باز بد کمان و خشمگین ساختند و در نتیجه باز موقعیت میرزا آقاخان متزلزل گردید . بارن دو پیشون<sup>۷۵</sup> وزیر مختار جدید فرانسه که تازه به تهران آمده بود در گزارش مورخه سوم ذی قعدة ۱۲۷۴ (۱۵ ژوئن) خود باین نکته اشاره کرده می نویسد<sup>۷۶</sup> :

« وضع صدراعظم در این روزها بسیار متزلزل است و بر اثر توطئه ای که مادر ولیمهدی در رأس آن قرارداد نزدیک بود میرزا آقاخان در همین هفته از مقام خود ساقط شود . بیماری شاهزاده جوان ولیمهدی که آنرا در گزارش مورخه ۲۰ مه ( ۶

۷۳ - مؤلف ناسخ التواریخ در شرح عزل سردار کل می نویسد: لاجرم بفرمود تا جریمه او را در کار دولت جریده کردند و گناه شناخته او از چهل افزون بشمار آمد... آنکه روز بیستم شهر شوال عزل او را از عمل رقم زده ص ۳۷۰ ج ۳

۷۴ - روضة الصفاق دهم ص ۶۲۶. سواد فرمان عزل سردار کل و واگذاری امور وزارت لشکر به میرزا آقاخان نیز در آن کتاب درج است

۷۵ - Baron de pichon

۷۶ - برگ ۱۰۵-۱۰۶ مجلد ۲۹ اسناد ایران در پاریس

شوال ۱۲۷۴) به تفصیل بمرض رسانیده ام طبعاً نگرانی و هراسی در قلب مادر ایجاد کرده بود و همچنین موجب بدگمانی و بالا اقل سبب بهانه‌یی شده بود که شاه هم نگران گردد بطوری که شاه دستور داد نظام‌الملك دیگر ببالین ولیعهد نرود. بدین ترتیب از بی‌مرحمتی به پسر تابی لطفی به پدر یک گام بیشتر نبود و تنها یک تفاهم و هم فکری شاه و مادر ولیعهد لازم و کافی بود. مادر ولیعهد باشانزده تن از رجال دربار که کم و بیش قدرت و نفوذ و مقامی دارند برای برانداختن صدر اعظم هم گام شده اند در این روزها تصور میرفت سقوط صدر اعظم حتمی است اما با وجود این احوال هنگامی که صدر اعظم برای تقدیم تقاضای استعفای خود بحضور شاه رفت تقاضای او مورد قبول واقع نشد و شاه به سخنان توطئه کننده گان و قبیله نپردازد. لیکن مردم تهران گمان نمی‌برند که بهران پایان یافته باشد.

د صدر اعظم سه روز است ۲۷ مستوفی‌الممالک را که پیرمردی قابل توجه و عالی مقام و از یک خاندان بزرگ است تبعید کرده زیرا در این روزها گفتگوی آن بوده که او بعد از میرزا آقاخان اداره امور کشور را بدست گیرد و مستوفی‌الممالک مدت چهل سال است بانفوذ بسیاری که در دربار و در میان رجال دربار دارد نقش مؤثر و مهمی را در تحولات و وقایع دربار اجرا کرده است. ۲۸

مقارن این احوال فرخ‌خان امین‌الملک که، از زمان مذاکرات راجع به افغانستان با انگلیسها که به انعقاد عهدنامه پاریس منجر شد تا این زمان، سفیر ایران در پاریس بود مأموریتش خاتمه یافته و عازم ایران بود. بموجب نامه‌ای که او بوزارت خارجه فرانسه نوشته و اصل آن در بایگانی آن وزارتخانه موجود است قرار بود که در ۲۶ شعبان (۱۲ آوریل ۱۸۵۸) از پاریس بصوب ایران حرکت نماید.

بارون دو پیشون در نامه خود چنین اضافه میکند «من تصور میکنم اگر فرخ خان در این موقع وارد میشد و برنامه مترقی و خاصی که تهیه و تنظیم کرده بود بحضور شاه معرفی مینمود و برنامه او با برنامه کار و دستگاه اداری صدر اعظم

۷۷ - یعنی در روز اول ذی قعدة ۱۲۷۴ ق

۷۸ - برگ ۴۸ جلد ۲۹ اسناد ایران

مقایسه میشد سقوط صدر اعظم حتمی می بود اما ورود فرخ خان به سبب ماموریتی که باو در قسطنطنیه محول گردیده چندماه بعقب افتاده است.»<sup>۷۹</sup>

## نگرانی میرزا آقاخان

بدنبال این حوادث امیر نظام ولیعهد در تاریخ ۱۸ ذی قعدة ۱۲۷۴ در گذشت و چنین شهرت یافت که صدر اعظم و پسرش او را مسموم کرده اند.<sup>۸۰</sup> و بدین جهات وضع و موقعیت میرزا آقاخان بیشتر در مخاطره افتاد بقسمی که بارون دو پیشون در گزارش مورخه ۲۱ ذی قعدة (۳۰ ژویه ۱۸۵۸) خود نوشته بود: «در ملاقاتی که میان من و میرزا عباسخان،<sup>۸۱</sup> محرم صدر اعظم، در روز ۳۰ ژون (۱۸ ذی قعدة) روی داد، میرزا عباسخان بی مقدمه گفت صدر اعظم باندازه می نگران است که نمیداند خود کشتی کند یا فرار نماید و یا تسلیم طوفان سرنوشت شود و سپس صحبت از حمایت و پناهنده شدن صدر اعظم کرد و صلاح دید مرا میخواست که آیا صدر اعظم بسفارت فرانسه پناهنده شود یا از روسیه طلب حمایت کند.»<sup>۸۲</sup>

ده روز پس از این ملاقات یعنی در ۲۸ ذی قعدة، میرزا آقاخان خود از وزیر مختار فرانسه دیداری کرد و شرح مذاکراتی را که در آن روز بین صدر اعظم و بارن دو پیشون صورت گرفته بارن دو پیشون در گزارش مورخه ۸ ذی حجه خود (۱۹ ژویه) بتفصیل نوشته است و بنا بر مندرجات گزارش پیشون، میرزا آقاخان از ترس و نگرانی خود و همچنین از جزئیات اموری که موجب پیش آمدن این وضع شده بود بسیار حرف زده و نیز شمه ای از کناره گیری هیئت های

۷۹- برگ، ۱۰۷ جلد ۲۹ اسناد ایران در پاریس. این مأموریت ظاهراً همان است که مؤلف منتظم ناصری در شرح وقایع سال ۱۲۷۴ می نویسد او بسفارت کبرای ایران در اسلامبول ماور گردید. ص ۲۵۷ ج ۳

۸۰- برگ، ۱۴۸ همان کتاب

۸۱- این شخص همان میرزا عباسخان قوام الدوله است.

۸۲- برگ ۱۵۰ جلد ۲۹.

سیاسی خارجی گفته بود که برای حفظ جان او، واگر اوزمیان برود برای حفظ دارائیش بهیچوجه حاضر باقدا می نیستند ولی در پایان ملاقات خود نیز گفته بود: شاه هنوز نسبت باو مرحمت و لطف دارد واگر فرصت برای او بدست آید ومخالفانش زودتر او را ازمیان بر ندارند خواهد توانست براوضاع مسلط شود. <sup>۸۳</sup>

در طی همین ملاقات میرزا آقاخان از سفیر فرانسه خواهش کرده بود که بدولت متبوع خود بنویسد، دولت فرانسه به اعلیحضرت پادشاه ایران اعلام کنداگر نسبت به میرزا آقاخان بی مرحمتی وبدگمانی شود ویامانندسلف وی اورا از کار برکنار کرده وی ازمیان بردارند امپراتور فرانسه بسیار آزردده خاطر خواهند شد. اما دولت فرانسه در پاسخ بارن دوپیشون دستور داد نسبت به این وضع کاملاً بیطرف بماند. <sup>۸۴</sup> واما بارن دوپیشون در گزارش خود سپس چنین اضافه می کند:

«... صدراعظم به عکس ( آنچه نسبت به انگلیسی ها می اندیشد) اعتماد بی اندازه بی به سفارت روسیه دارد و در همین زمینه که با من صحبت کرده است بامسیو بگر نیز گفتگو نموده و او را اختیار داده است که از آنچه خود (یعنی مسیو بگر) <sup>۸۵</sup> با پشتکار و اطمینان خاطر، انجام داده مرا آگاه سازد. <sup>۸۶</sup> (عکس شماره ۵)

### مخالفان زمینه عزل صدراعظم را فراهم می سازند

بدین ترتیب ماه ذی حجه و سال ۱۲۷۴ باتشنج واضطراب خاطر گذشت و محرم سال ۱۲۷۵ فرارسید آغاز این سال مصادف با ماه امرداد و شدت گرمای

۸۳ - برک ۱۵۷ همان کتاب.

۸۴ - برک ۱۷۹ مجلد ۲۹ - پیش نویس نامه وزیر امور خارجه فرانسه به بارن دوپیشون

۸۵ - M. Beguer

۸۶ - پشت برک ۱۵۹ همان کتاب و همچنین درک به عکس این نامه سطر ۶ تا ۱۳

toujours pour que je n'en donne  
rien à connaître à la mission  
d'Angleterre. Il croit encore que  
si elle était instruite des détails  
de la situation, elle en profiterait  
contre lui. Il a, au contraire, la  
plus grande confiance dans la  
délégation de Russie et il a parlé  
à Mr. Péguet dans le même  
sens qu'à moi, en l'autorisant  
à m'en avorter, ce que ce dernier  
a constamment fait avec la  
plus grande franchise.

On sait d'ailleurs que, lors  
de l'assassinat du Grand Vierge  
à Pétersbourg, l'Empereur  
Nicolas en a témoigné un profond  
repentiment, d'abord à l'Empereur  
de Perse à sa cour, puis ensuite  
au ministre Persan lui-même.



تهران بود<sup>۸۷</sup> و ناصرالدین شاه در آن روزها به شکار گاه سوهانک رفته بود<sup>۸۸</sup> و مخالفان میرزا آقاخان همچنان در نهانی در کار اوتحریرک و افساد می کردند. در صدرالتواریخ شرح جالبی از این تحریکات نوشته شده که بی مناسبت نیست عین آن را در اینجا نقل کنیم :

«... تقصیرات میرزا آقاخان را که مرحوم سپهسالار میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه و مشیرالدوله میرزا جعفرخان و میرزا صادق امین الدوله و حاجی علیخان اعمتادالسلطنه و میرزا محمدحسین دبیرالملك و عباسقلیخان جوانشیر معتمدالدوله مینوشتند ، شبها ساعت پنج و شش در نیاوران همه اجزاء در قبرستان حصار بوعلی در وقت معین وبا کلاه نمد و تغییر لباس بی نوکر میآمدند ، از آنجا بواسطه نردبان از دیوار خانه حاجی علیخان که حاجب الدوله بود داخل خانه شده بدون معاونت چراغ ، مجلس مشاوره داشتند و جمعاً تفصیل را بدون کم و زیاد بواسطه حاجب الدوله بعرض میرساندند . عجب اینکه میرزا صادق در خانه خود میرزا آقاخان منزل داشت ، شبها با میرزا آقاخان منزل داشت ، شبها با میرزا آقاخان شام میخورد و بعد متکرا میان بستر خود گذاشته و خود تنها بیرون می آمد و در این مجلس حاضر میشده .»<sup>۸۹</sup>

از این شرح که نویسنده آن خود، همزمان با وقایع بوده خوب معلوم میشود مخالفان میرزا آقاخان تاجه اندازه بیم داشته در عین حال چقدر دربر انداختن وی مصمم بوده اند ولی باوجود همه این تحریکات و دسته بندیها ، میرزا آقاخان سخت برجای خود استوار بود و هر دم وسائلی برمی انگیخت تا بقاء و قدرت خود را بیشتر تحکیم و تثبیت نماید . چنانکه بارن دو پیشون هم در شرح ملاقات روز هیجدهم محرم (۲۸ اوت ۱۸۵۸) خود با میرزا آقاخان نوشته ، در یک جلسه طولانی که بتفصیل در خصوص مسأله سیستان بایکدیگر صحبت کرده بودند نه تنها اثری از ترس و نگرانی در میرزا آقاخان دیده نمی شد بلکه او بالحنی مطمئن و ساده گفته بود روابط تازه ای که بین فرانسه

۸۷ - اول محرم در این سال برابر با ۲۰ اسد (امرداد) بوده است.

۸۸ - روزنامه وقایع اتفاقیه و صدرالتواریخ

۸۹ - نسخه خطی متعلق بکتابخانه دانشکده ادبیات تهران

وروسیه برقرار شده به‌میزان قابل ملاحظه‌ای از نگرانیها و بیم‌وی کاسته است.<sup>۹۰</sup> لیکن باتمام این احوال، از همان مدارك فرانسوی اینطرر برمی‌آید که تحریکات برضد میرزا آقاخان لحظه بلحظه شدت می‌یافته بقسمی که دشمنان او که تا آنروز در نهانی و شبها کردهم جمع میشدند، در روزهای هیجدهم و نوزدهم محرم آشکارا در همان اردو گاه سلطنتی بکار خود مشغول شده‌اند و میرزا آقاخان که در شب بیستم از قضیه توطئه آگاه شده بود برای جلو گیری از توطئه مزبور، صبح خیلی زود، میرزا عباس خان، منشی و محرم خود را بمنزل سفير انگلیس<sup>۹۱</sup> فرستاد و چون او هنوز در خواب بود، میرزا عباسخان بخانه سفير فرانسه واز آنجا نزد سفير روسیه<sup>۹۲</sup> رفت و اطلاع داد که صدراعظم اطلاع یافته است حاجی علیخان حاجب الدوله و سر کشیکچی باشی دو روز است در یکی از چادرهای واقع در اردو گاه سلطنتی بایکدیگر نیجری میکنند و کاغذها و نوشته‌هایی بحضور شاه آورده نشان میدهند و سپس آنها را از بین می‌برند.<sup>۹۳</sup>

## هزل میرزا آقاخان

بدین ترتیب روز بیستم محرم فرارسید ولی هنوز علائم بی‌مهری شاه نسبت به صدراعظم ظاهر نشده بود، چنانکه مؤلف صدرالتواریخ در این خصوص می‌نویسد: و صبح بندگان همایون که سوار میشدند میرزا آقاخان دمدر شرفیاب شد و خیلی باواظهار التفات فرمودند، بلکه دست مبارک حایل شال میرزا آقاخان بود. از عمارت بالا بیائین صحبت کنان با صدراعظم می‌آمدند. دمدر با محسن میرزای میر آخور که با صدر عداوتی داشت رسیدند باو هم قدری

۹۰ - برگ ۱۸۷ جلد ۲۹.

۹۱ - سفير انگلیس در این هنگام مستر چارلس موری Charles Murray

بوده است.

۹۲ - منظور مسیو آنیچکوف Anitchkof است.

۹۳ - برگ ۱۸۸ و صفحه پشت آن جلد ۲۹ اسناد ایران در پارسی

مزاح فرمودند: صدراعظم اسب سواری حاضر شده است. مقرر شد از اسبهای يدك باوداده منزل برود سان سواری را ببینند. صدراعظم با نهایت دل گرمی مرخص شد...»

اما وقایع بعدی نشان میدهد که ناکهان ورق برگشته است زیرا در همان صدراالتواریخ می بینیم که ذکر شده است دو ساعت بعد حاجی علیخان حاجب الدوله دستخط عزل میرزا آقاخان را از «نهار گاه» آورده و این وضع میرساند که در راه صاحبقرانیه و سوهانك شکار گاه آنروز، ۹۴ و قایمی روی داده و آن وقایع توانسته است شاه را به عزل صدراعظم مصمم کند.

خوشبختانه شرح این واقعه را بارن دو پیشون در گزارشی که به وزارت امور خارجه دولت متبوع خود فرستاده بتفصیل نگاشته است و امروز ما می توانیم از چگونگی آن آگاه شویم و بنا بر نوشته پیشون قضیه از اینقرار بوده است:

« یکی دودوز قبل از عزل میرزا آقاخان، پسر میرزا موسی وزیر تهران، برای احراز قدرت خود و ایجاد رعب در مردم، شخصی را که از بستگان برادر فروغ السلطنه زن سوگلی شاه بود با چوب و شلاق سخت مضروب کرده بود و آن شخص بر اثر صدمه درگذشت. ناصرالدین شاه در آن موقع در ییلاق بود و صبح روز سی ام اوت [۲۰ معرم] اهالی قریه‌یی که شاه در آنجا به شکار رفته بود به تحریک کسان مقتول و عده‌یی از مخالفان صدر اعظم، چند مقتول را بر سر راه شاه قرار دادند و فریاد میکردند: « صدراعظم به جان جان نثاران و بندگان اعلیحضرت این چنین می آورد. » ۹۵

این واقعه اگر هم بر حسب تصادف بوده است، خود بهانه‌یی بدست مخالفان میرزا آقاخان داده بود تا بالاخره خشم شاه را نسبت به صدراعظم برانگیزند و منظره‌ی تائرانگیز مقتول هم سرانجام توانست شاه را در

۹۴ - بتصریح صدراالتواریخ «این دستخط در دره مشهور بدره عزل بالای سوهانك صادر شده. به مقاله عزل و تبعید میرزا آقاخان در مجله یفما سال دهم شماره های ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ هم رجوع کنید.

۹۵ - برگ ۱۸۹ جلد ۱۹ اسناد مربوط بایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه.

عزل صدراعظم مصمم کند. بخصوص که پای سوگلی حرم هم در میان می بود و همان روز چون شاه بقصر نیماوران رسید فرمان عزل میرزا آقاخان رادرساعت هشت و نیم بعد از ظهر صادر کرد و قیام حاجب الدوله برای او فرستاد.<sup>۹۶</sup>

بدین ترتیب میرزا آقاخان پس از هفت سال که برای ابقای خود بر مسند صدارت عظمی از هر گونه زدوبند و دسیسه و تحریک کوتاهی و خود داری نمی کرد سرانجام بسبب خبط و خطا و همچنین بر اثر سلسله تحریکات و وسایل نظیر همان تحریکات و وسایل که برای برانداختن میرزا تقی خان امیر کبیر بکار رفته بود و میرزا آقاخان خود نیز در آن وقایع دخالت مستقیم میداشت در روز دوشنبه بیستم محرم سال ۱۲۷۵ قمری از صدارت ایران معزول گردید و انفضال و عزل او حسب المعمول بکلیه حکام و ولات ابلاغ شد.<sup>۹۷</sup> و میرزا ملکم خان ناظم الدوله که خود معاصر و شاهد وقایع ایام صدارت میرزا آقاخان بوده است در رساله «رفیق و وزیر» در مورد او می نویسد: «میرزا آقاخان تسادم آخر یقین داشت که شاه ملتفت کارهای او نیست و همین خبط باعث خرابی او شد»<sup>۹۸</sup>.

مورخانی که همزمان این روزها بوده اند و کتابهای تألیفی آنها شامل وقایع تا چند سال بعد از این تاریخ هم می باشد - جزیک تن از ایشان - عموماً از شرح و تفصیل عزل میرزا آقاخان و علل آن خودداری کرده اند و تنها به نقل سواد فرمان عزل او اکتفا نموده اند زیرا صنیع الدوله مؤلف کتابهای مرآة البلدان و منتظم ناصری و المآثر و الاثر و مآثر سلطانی که متضمن وقایع تاریخی این زمان هستند برای اینکه بر روی جرایم و خیانتهای پدر خود حاجی علیخان حاجب الدوله که هم پیمان و هم سوگند میرزا آقاخان بوده ولی در عین حال در کلیه توطئه ها و دسایس برضد او شرکت داشته است پرده فراموشی کشیده باشد<sup>۹۹</sup> موضوع را به سکوت برگزاران نموده و فقط در صدور فرمان عزل او نوشته است:

۹۶ - برک ۱۸۹ مجلد ۱۹ بایگانی دولت فرانسه

۹۷ - مجموعه اسناد دولتی شماره ۶۲۲۵ دروزارت خارجه ایران

۹۸ - ص ۵۸ مجموعه آثار ملکم جاپ محیط طباطبائی .

۹۹ - بادن دو پیشون در نامه مورخه ۲۳ محرم ۱۲۷۵ خود می نویسد د کلیه تحریکات

و توطئه های علیه میرزا آقاخان که ب نتیجه عزل او شد زیر نظر مستقیم فراشباهی حاجب الدوله اداره میشد . برک ۱۸۲ مجلد ۲۹

«بتاریخ [دو] شنبه بیستم شهر محرم الحرام دستخط جهانمطاع مبارک خطاب بجناب صدراعظم شرف صدوریافت و باوجود صورت آن دستخط مبارک حاجت بتفصیل و تکرار نیست.» ۱۰۰

پرده پوشی‌ها و ملاحظه کاریهای صنایع الدوله در این مورد بقسمی بوده که حتی در روزنامه دولتی و هفتگی «وقایع اتفاقیه» هم که بوسیله خود او منتشر میشد در شرح وقایع آن هفته بهیچوجه از عزل و تبعید میرزا آقاخان ذکری بمیان نیآورده و تنها نوشته است «رأی جهان آرای اقدس همایون بر این قرار گرفت که امور مملکت بدست یکنفر اداره نشود و بدست چند نفر فیصل یابد لذا امور مملکت را بشش وزارت خانه تقسیم کردند.» ۱۰۱

صدیق الممالک مؤلف منتخب التواریخ مظفری نیز که مهخواسته است کتابش منتخبی از وقایع تاریخی باشد و بملاوه مسطورات آن تا آنجا که به وقایع سال ۱۳۰۰ قمری ختم میشود همان است که در کتب دیگر نیز می توان یافت شرحی در این باره ندارد و فقط سواد دستخط شاه را نقل نموده و این است سواد آن دستخط :

«جناب صدراعظم چون شما جمیع امورات دولتی را بعهده خود گرفتید و احدیرا سهم و شریک خود قرار نمیدادید معلوم شد قوه یکنفر از عهده جمیع خدمات ما بر نمی آید و در این بین غیبتها و خطاها اتفاق افتاد. کم کم امورات دولت موق ماند و شما البته در دولتخواهی راضی نمی شوید که ما در اینحال مجبور باشیم و امورات را غیر منظم ملاحظه فرمائیم لهذا امروز که بیستم محرم است شما را از منصب صداوت و نظام الملک و وزیر لشکر را از مناصب خود معزول فرمودیم در خانه خودت آسوده باش، در نهایت اطمینان و امنیت. از جانب ما یقیناً بجز التفات در حق شماها ابداً کاری نخواهیم کرد التفاتهای زبانی و اطمینان ما هم آنچه لازم بود و مکنون قلب ما به - حاجب الدوله فرمودیم که بشما بگوید.» ۱۰۲

۱۰۰ - ص ۲۲۶ مجلد دوم مرآة البلدان ناصری .

۱۰۱ - روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۳۹۷ سال ۱۲۷۵ - در منتظم ناصری ج ۳

ص ۲۵۹ شرحی نظیر همین عباوت درج است

۱۰۲ - ص ۲۴۹ و در مرآة البلدان ج ۲ ص ۲۲۸

بارن دوپیشون پس از شرح وحوادث و تحریکاتی که منجر به عزل میرزا آقاخان شده است می‌نویسد :

«شایان توجه این است که عزل میرزا آقاخان درست در روز سه‌شنبه انفصال سلف او از صدارت واقع گردید و کلامی که شاه در نامه‌ی به همسر سوگلی خود نوشته و امضا کرده بود خلاف نشد.» ۱۰۳

بنابراین اولاً از فحوای عبارات بارن دوپیشون معلوم میشود که او معتقد بود میان انفصال میرزا تقی‌خان و عزل میرزا آقاخان رابطه‌ی وجود داشته است و ثانیاً صریحاً استنبساط می‌شود در برانداختن میرزا آقاخان، جیران خانم فر و غ السلطنه بیش از هر کس مؤثر بوده ز سرانجام شاه، صدراعظم خود را بخاطر رضایت سوگلی خویش از کار برکنار نموده است، چنانکه پیشون در نامه دیگر هم می‌نویسد: «از روزی که فر و غ السلطنه سبب سقوط صدراعظم شد دیگر آن قدرت و اهمیت سابق خود را از دست داده است زیرا دیگر موضوعی برای اعمال قدرت و نفوذ خود جز مسائل داخلی ندارد.» ۱۰۴

اما آنچه هنوز بر نگارنده روشن نشده موضوع وعده بیست که بنا بر دعوی پیشون، شاه در نامه خود به سوگلی خویش داده است.

باتمام این احوال باید دانست که جیران به تنه‌سایبی موفق به برکناری میرزا آقاخان نشده است بلکه عامل اصلی، سایر دشمنان صدراعظم بوده‌اند که از میان آنان، مستوفی‌الممالک، سردار کل، میرزا صادق قائم‌مقام و حاجی علیخان حاجب‌الدوله را مقدم بر همه باید نام برد چه می‌بینیم این اشخاص از برکناری میرزا آقاخان بیش از دیگران منتفع و بهره‌مند شده‌اند چنانکه ناصرالدین‌شاه پس از عزل میرزا آقاخان چون امور دولتی میان شش وزارتخانه تقسیم گردید میرزا یوسف مستوفی‌الممالک که در آشتیان بسر میبرد برای اشغال منصب وزارت دارائی احضار شد ۱۰۵ و عزیزخان سردار کل که در کردستان بود بسمت

۱۰۳- برگ ۱۸۸ جلد ۲۹ اسناد ایران در وزارت خارجه فرانسه

۱۰۴- برگ ۱۷۲ مجلد ۳۰ اسناد ایران در وزارت خارجه فرانسه.

۱۰۵ ص ۲۹۵ منتظم ناصری ج ۳ ص ۳۵۷ منتخب‌التواریخ و روزنامه وقایع اتفاقیه

شماره ۳۹۷ سال ۱۲۷۵ و بسیاری دیگر از کتب

سررداری کل سپاه منصوب گردید<sup>۱۰۶</sup> و میرزا صادق قائم مقام بلقب امین الدوله ملقب و به وزارت داخله رسید.<sup>۱۰۷</sup> بعلاوه باستناد نامه‌یی که در جزو مجموعه‌یی خطی از اسناد و نامه‌های دولتی در کتابخانه وزارت امور خارجه ایران موجود است<sup>۱۰۸</sup> معلوم میشود مستوفی الممالک از مدت‌های پیش، مشغول فراهم ساختن مقدمات عزل میرزا آقاخان بوده است.

این نامه ضمن عرایض و گزارش‌هاییست که از تاریخ ۱۲۷۵ قاجرم ۱۲۸۰ قمری در اوقات مختلف بعرض ناصرالدین‌شاه رسیده است و عریضه مزبور که در جزء دوم آن مجموعه ضبط شده در هفتم ذی‌قعدة الحرام سال ۱۲۷۵ یعنی ده ماه پس از عزل میرزا آقاخان بعرض رسیده. نویسنده این نامه که او را نشناختم چنانکه خود بتصریح می‌نویسد محرمیتی بسیار با مستوفی الممالک داشته و مستوفی الممالک او را بنوشتن آن نامه ترغیب و تشویق نموده است و از نوشته‌های او چنین برمی‌آید که وی پیش از عزل میرزا آقاخان هم گناه بگناه، با بیان اخباری مبنی بر وجود روابط محرمانه بین میرزا آقاخان و شاهزاده عباس میرزا ملک‌آراء که در آن زمان در بغداد و در تبعید بسر می‌برده، خاطر شاه را نسبت به صدر اعظم بی‌مناک و بد گمان می‌کرده است.

نویسنده در این نامه می‌گوید:

«..... در سفر زیارت و ملاقات شاهزاده عباس میرزا، بملاحظه قوس زمانه محرمیتی حاصل شد، قدری همراهی با خیالاتشان نمودم. راز فحاشی که داشتند ابراز نمودند مجملی از از مفصل اینکه بعد از رفتن میرزا علی‌خان به بغداد اخبار از میرزا آقاخان بایشان رسانید که ترغیبات بعضی خیالات واهی و تکلیفات باطله کرده است که نمیتوانم عرض کرد. متعهد شده است که اگر بتواند ایشان را از بغداد حرکت دهد و بقم یا کاشان مسکن دهد که همه اوقات دسترس بایشان داشته باشد و الا بتمام حکام سرحد که محرمیتی نامه بمیرزا آقاخان دارند بسپارد و قرار بدهد که باطلتاً راه و ربط بایشان داشته باشند که در وقت ضرورت مآلاً و حالاً خدمت نمایند...» (عکس ۶)

۱۰۶- ص ۲۶۰ منتظم ناصری ج ۵ و ص ۵۴ شماره ۲۰۱ سال چهارم مجله یادگار.

۱۰۷- ص ۲۵۹ منتظم ناصری ج ۳

۱۰۸- مجموعه شماره ۶۲۷۸

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is written in a cursive style and is arranged in several columns. The content appears to be a detailed account or report, possibly related to military or administrative matters, given the mention of 'درباره' (regarding) and 'شاه' (king) in the caption. The text is dense and fills most of the page.



بر جمع این علل و اسباب که در کار عزل میرزا آقاخان فراهم شده بود علت دیگری را نیز باید افزود و آن علت خواه باز بر اثر کارشکنی‌ها و افساد مخالفان بوجود آمده باشد و خواه ناشی از بیماری یا فرسودگی و یأس میرزا آقاخان بوده باشد، درحای خود بهانه قوی و مستدلی برای برکناری میرزا آقاخان بوده است و آن آشفتگی و بی‌نظمی شدیدی بود که در او اواخر صدارت میرزا آقاخان در امور دولتی مشاهده میشد و همان است که ناصرالدین‌شاه در فرمان خود بدان اشاره نموده است.

در مجموعه‌ی از نامه‌های دولتی که از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه وزارت امور خارجه منتقل شده نامی هم بخط میرزا آقاخان و خطاب به مهد علیا مادر ناصرالدین شاه موجود است که از فحوای آن معلوم میشود میرزا آقاخان برای نجات ورهایی خود، چون از سفیران روس و انگلیس و فرانسه ناامید شده به مهد علیا حامی قدیم و دشمن جدید خود متوسل گردیده است. در این نامه میرزا آقاخان، راجع به نابسامانی اوضاع در ماههای اخیر صدارتش چنین می‌نویسد:

«خودنواب علیه‌عالیه همیشه از حالت این چاکر اطلاع داشتید که طالب این کار بزرگ نبودم خاصه شش ماه بود که مزاجم علیل شده بود، پیشرفت نداشت کار. عرض کردم بارها «بباز در همین نامه می‌نویسد: «البته يك آدم و این همه کار که میانۀ ده نفر تقسیم شد و هشت سیال هم از عهده برآمدن، بجز چهار ماه آخر، البته سهو و خطاهم دارد...»<sup>۱۰۹</sup>

### یادداشت سفارت انگلیس

بهر صورت فردای روزی که فرمان عزل میرزا آقاخان صادر گردید، وزیر امور خارجه ایران موضوع را بسفارتخانه‌های خارجی مقیم پایتخت اعلام کرد (روز ۲۱ محرم) و همان روز مستر موری وزیر مختار انگلیس بملاقات شاه رفت.<sup>۱۱۰</sup>

۱۰۹- مجموعه ۶۱۹۳ جزء اول.

۱۱۰- برگ ۱۸۱ جلد ۲۹ اسناد ایران در بایگانی پاریس.

از مضمون مذاکرات مستر موری با شاه اطلاعی نداریم ولی یادداشتی رسمی بمهر مستر موری<sup>۱۱۱</sup> و مورخ بتاریخ ۲۳ محرم در ضمن اسناد وزارت امور خارجه ایران موجود است که وزیر مختار انگلیس آن یادداشت را در خصوص میرزا آقاخان و در پاسخ یادداشت دولت ایران فرستاده است و در این یادداشت هم بملاقات دوروز پیش و فحوای مذاکرات با شاه اشاره ای نشده است.

### سواد یادداشت ۲۳ محرم مستر موری بدولت ایران :

«جناب جلالت و کفالت نصابا دوستان استظهار امشفا مکرما»  
 «مراسله [بی] که روز سه شنبه ۲۱ محرم برای دوستدار ارسال»  
 «داشته و در طی آن شرحی در عرل جناب میرزا آقاخان صدر اعظم»  
 «سابق و نظام الملک و وزیر لشکر نگاشته بودند و اصل و از»  
 «مراتب مندرجه آن اطلاع حاصل آمد . سواد دستخط همایون»  
 «اعلی حضرت پادشاهی که مبنی بر [یک کلمه ناخوانا] عرل و»  
 «انزوای جناب معزی الیه بطریق اطمینان برآفت ملوکانه»  
 «اعلی حضرت و معاف از منصب بزرگ صدارت بود در جواب مراسله»  
 «خود ارسال فرمودند»

از مضامین آن که مشعر بر قرار داد جدید مواد دولتی بوده زیاده موجب تصورات و حیرت گردید . معلوم است سرکار اعلی حضرت همایون پادشاهی هر حکم و قراری که در پیشرفت و ترقی امورات دولتی و عسکریه که در نظر مبارک مصلحت آید مقرر فرمایند و بفرمانتظام مملکت و رعیت اقتند دول متحابه با کمال خوشنودی ملاحظه خواهند کرد خاصه امنای دولت انگلیس که از قدیم دوست خالص بیفرض دولت ایران بوده اند و همیشه اصل منظورشان ترقی کامل این دولت بوده و هرگز بالطبع راضی نبوده و نیستند که اندک بی نظمی و اغتشاش در امور مملکت ایران حاصل گردد . امیدوار است که قرار داد جدید را بقسمی منظور و ملحوظ فرمایند که در حقیقت مایه انتظام کلی مملکت و دولت باشد و اینکه جناب میرزا آقاخان را بموجب دستخط همایون امیدوار باطمینان و التفات اعلی حضرت ملوکانه فرموده اند این معنی نیز باعث امیدواری سایر کارکنان و چاکران دربار دولت ایران خواهد شد و هم بالمال سبب تصورات

۱۱۱- سجع مهر مستر موری چنین بوده است «وزیر مختار و ایلیجی مخصوص اعلی حضرت پادشاه انگلستان چارلس مری»

نیک امنای دولت انگلیس خواهد گردید که سرکار اعلیٰ حضرت همایون پادشاهی عبث عبث در فکر اتلاف مال و جان چاکران خود نمیباشد. چون لازم بود بادای جواب پرداخت. ایام دوستی مستدام باد. فی ۲۳ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۵، ۱۱۲

سه روز بعد از عزل میرزا آقاخان یعنی در روز ۲۳ محرم حاجی علیخان حاجب الدوله نیز بجرم حیث و میل کردن اموال دولتی از کار برکنار و دستگیر شد.<sup>۱۱۳</sup>

بارن دوپیشون در خصوص برکناری حاجب الدوله شروخی مبسوط بدینقرار بدولت متبوع خود گزارش داده است: «برکناری و سقوط فرشباشی که در شاه نفوذ بسیار میداشت و با وجود تحرکات و توطئه‌هایی که علیه میرزا آقاخان می‌کرد و میرزا آقاخان جرأت نداشت او را از دربار دور سازد، موجب تعجب بسیار همگان شده است. حاجب الدوله در برانداختن میرزا آقاخان کاملاً دست داشته و بامید آن بوده است که پس از او خود صدراعظم شود. اما سه روز بعد از حوادثی که او یقین داشت خواهد توانست از آن حوادث بِنفع خود بهره برداری کند خود او هم دستگیر و معزول شد. اینک از او حساب «درخانه» شاه را میخواهند و عقاید عمومی بر این است که بی‌رحمتی شاه نسبت بساو بیشتر بر اثر اغوا و افساد برادرزاده صدر اعظم یعنی قایم مقام می‌باشد. راجع بملت دشمنی قائم مقام با حاجب الدوله باید بگویم همانطور که در مکاتبات مأموران سلف من راجع باین شخص نوشته شده، هنگامی که او در تبریز بود توطئه‌یی بر ضد عم خود میرزا آقاخان فراهم نموده بود تا او را از کار انداخته خود صدراعظم شود ولی موفق نشد و بهانه‌یی او را بتهران احضار کردند و حاجب الدوله که مدتی بمراقبت او مأمور شده بود بسا شکنجه او را مجبور ساخت چندین هزار تومان بدهد و از قرار معلوم این پول بخزانة دولت وارد نشد و قائم مقام اینک بافتقام آن کارها حساب پولها را از او میخواهد،<sup>۱۱۴</sup>

۱۱۲- مجموعه ۶۰۵۹

۱۱۳- برگ ۱۸۲ جلد ۲۹ اسناد ایران در فرانسه و همچنین ص ۲۲۸- ص ۱۲۹ ج ۲ مرآة البلدان و ص ۱۰۲ منتظم ناصری ج ۳ - حقایق الاخبار در شرح وقایع سال ۱۲۷۵ قمری

۱۱۴- برگ های ۱۹۲ و ۱۹۳ جلد ۲۹ بایگانی فرانسه .

## مصادره اموال میرزا آقاخان

چون میرزا آقاخان از صدارت معزول شد، او را از شمیران بیباغ نظامیه که از مستحدثات خود او بود آوردند<sup>۱۱۰</sup> و در آنجا زیر نظر مأموران دولتی قرار گرفت.

نامه ای مفصل از میرزا آقاخان که در همان روزهای اول عزلش بشاه نوشته (۲۸ محرم) موجود است<sup>۱۱۶</sup> و از فحوای عبارات آن نکات مهم و جالبی راجع به وقایع همین روزها استنباط میشود. میرزا آقاخان در این عریضه نوشته است: «اگر چه این بنده در این اواخر عمر، مطلقاً هوس مشاغل دنیا ندارد و لکن برای اطاعت امر همایون و پیروی صلاح دولت و مملکت سرکار اعلیٰ حضرت شاهنشاهی روحی فداه، بقید قسم کلام الله مجید و فرقی همایون بر خود حتم و الزم میکنند که راه آمد و شد و معاشرت عامه فتنه جویان را از داخله و خارجه از خانه و منزل خود بکلی مسدود نماید و رجوعی در سروعلانیه ابداً بمهام ملکی و دولتی نداشته باشد و آدم این بنده اصلاً مرادوه بخانه احدی ننماید».

از این عبارات اینطور برمی آید که از میرزا آقاخان خواسته بودند او را در پی شغل و منصبی نباشد و ثانیاً با کسی مرادوه و ملاقات ننماید و با احتمال قوی این تکلیف هم بر اثر ملاقات مستر موری باشاه (۲۱ محرم) ابراز شده چه محتملاً این توهم پیش آمده بود که میرزا آقاخان با کمک و همراهی سفرای خارجی قصد دارد مورد بخشش و عفو شاه قرار گرفته و باز بر سرکار و منصب سابق خود باز گردد.

اما بطوریکه از مدارک موجود در بایگانی وزارت خارجه فرانسه معلوم میشود از این تمهد و عریضه نتیجه ای بدست نیامده زیرا مدارک مزبور نشان

۱۱۰- تذکره تاریخی صفحه ۸۶.

۱۱۶- اصل این نامه که بخط میرزا آقاخان است در مجموعه یی از خطوط و نامه های بزرگان و درموزه بریتانیا ضبط میباشد و آقای علی مشیری سوادى از آن راضی مقاله ای در مجله خواندنیها (شماره ۸۵ سال ۲۴) نقل کرده اند و مرجع و ماخذ ما همین مقاله بوده است

میدهند که در این روزها در مراقبت از میرزا آقاخان سختگیری بسیار میشده چنانکه بر عدهٔ سربازان مراقب او افزوده بودند و با گرفتن قلم و کاغذ از او، رابطهٔ او با خارج بکلی قطع شده بود و این وضع موجب گردید که وزیر مختار فرانسه مقیم تهران، یادداشتی محرمانه و خصوصی بوزیر امور خارجهٔ ایران نوشت و تمهیدات شاه را در مورد «اطمینان و امنیت» میرزا آقاخان و اولادش که سابق بر این بمسیو بوره و سپس بخود او شفاهاً اظهار شده بود یادآور شد و خواهش کرد که از سختگیریهای نسبت بمیرزا آقاخان بکاهند ۱۱۷ ولی قدر مسلم اینکه بخواش وزیر مختار فرانسه هم ترقیب اثری داده نشد.

در مجموعهٔ نامه‌های دولتی که پیش از این هم بدان اشارتی شد ۱۱۸ چند نامه در مورد میرزا آقاخان موجود میباشد و از آن جمله نامه ایست که در فاصلهٔ زمان از دهم تا شانزدهم ماه صفر ۱۲۷۵ قمری درשמیران بعرض ناصرالدین شاه رسیده است ۱۱۹.

از فحوی مطالب این نامه چنین استنباط میشود که پس از عزل میرزا آقاخان، شاه و درباریان برخی از اشیاء و اسباب گرانهارا که در خانهٔ میرزا آقاخان سراغ داشته اند بنام تقدیمی و پیشکش عید تولد ناصرالدین شاه (ششم ماه صفر) ۱۲۰ از او مطالبه نموده اند و پس از سختگیریهای بسیار، میرزا آقاخان وسائل و اثاثیه خود را سیاه کرده است که بنظر شاه برسد. در این نامه، شخصی که مأمور مذاکره با میرزا آقاخان بوده پس از شرح مذاکرات خود بسا میرزا آقاخان، چنین گزارش میدهد:

۱۱۷- پشت برگ ۲۲۱ مکرر، جلد ۲۹ بایگانی دولت فرانسه.

۱۱۸- مجموعه ۶۱۹۳ کتابخانهٔ وزارت خارجهٔ ایران.

۱۱۹- جزء اول.

۱۲۰- ناصرالدینشاه در روز ششم ماه صفر ۱۲۴۷ قمری تولد یافته بود. (ر.ک بمطالعات

تالیفات صنایع الدوله) و بتصریح صنایع الدوله (ص ۲۶۰ ج ۳ منتظم ناصری) در این سال نیز جشن مولود ناصرالدینشاه گرفته شد.

... فرمایشات دیروز که فرمودید همه را گفتم اطمینان دادم ، اوهم زیاد شکر گذاری [ کذا ] وسیاهه اسبابی کرد که بنظر مبارک برسد ، دادوچند فقره مطلب داشت و آنها را هم نوشته است بنظر مبارک میرسد ... هرطور دای مبارک قرار بگیرد اطاعت میکند . انقیه دان مقرر فرمودید گرفتیم . یک دانه انکستر یاقوت هم خودش آورد که قابل حضور مبارک است داد. دوسه چیز دیگر هم آورد بیاورم چون اذن نداشتم نیاوردم تا عرض بکنم . مقرر فرمائید آدمش اینجاست ، فردا میفرستم برود بیاورد : یک جلد کلام اله خط میرزا احمد و یک جمیع فنجان قهوه خوری طلا ، کار یاریس است خودش میگفت سه هزار تومان خریدم ... ۱۲۱

## تبعید به آدران

وقایع بعدی نشان داد که نه تنها هیچیک از این پیشکشی‌ها و تقدیمی‌ها از سختگیری‌هایی که نسبت به میرزا آقاخان میشد ، نکاست بلکه روز بروز بر فشار و سختگیری‌ها هم افزوده شد بقسمی که یک ماه بیشتر نگذشت میرزا آقاخان را بوضع ناگواری به آدران ملک شخصی خود او فرستادند ۱۲۲ و موضوع رسیدگی بحسابهای دیوانی دورهٔ صدارت اونیز مقارن باهمین زمان به میان آمده است .

واما علت این تغییر وضع چنانکه میرزا فضل‌الله وزیر نظام برادر میرزا آقاخان در کتاب خود نوشته است ، نگرانی و قوس رجال دربار و مخالفان میرزا آقاخان بوده است که از بودن او در پایتخت داشته‌اند و میترسیده‌اند مبادا باز مورد رحمت و بخشش ناصرالدینشاه قرار گیرد و بمقام صدارت باز گردد ۱۲۳ . تاریخ تبعید میرزا آقاخان را بآدران بطور تحقیق نمیدانیم اما بادر نظر

۱۲۱- مجموعه ۶۱۹۳ اسناد دولتی .

۱۲۲- گزارش مأموری که میرزا آقاخان را به آدران برده - در مجموعه اسناد ۶۱۹۳

وزارت خارجه ایران. در ص ۶۷ تذکرهٔ تاریخی و ص ۸۸ جلد اول تاریخ مستوفی بموضوع تبعید بآدران، نیز اشاره شده است .

۱۲۳- تذکرهٔ تاریخی ص ۶۶ - ص ۶۷ . نسخه خطی

گرفتن اینکه میرزا فضل‌الله وزیر نظام مدت اقامت او را در آذربایجان در حدود دو ماه و باز گشتنش را در ماه ربیع‌الآخر ۱۲۷۵ نوشته ۱۲۴ تاریخ فرستادن وی بآذربایجان در اواخر ماه صفر بوده است .

## رسیدگی به حسابها

مؤلف حقایق الاخبار ناصری در شرح وقایع سال ۱۲۷۵ راجع بر رسیدگی بحسابهای دیوانی میرزا آقاخان می‌نویسد :

«حسب الامر گردون غلام . مستوفیان عظام بمحاسبات ظاهری ممالک محروسه رسیدگی نموده جز از سالی شصت هزار تومان که از دیوان همایون در وجه میرزا آقاخان مستمر و برقرار بود در این ایام صدارت سالی یکصد و هشتاد و هفت هزار تومان علاوه از راتبه استمراری و تعارفات و هدایا و پیشکش و ارتشاء و مأخوذه مشارالیه و علاوه بر دوازده هزار تومان مقرری میرزا کاظم خان نظام الملک سالی هیجده هزار تومان بقلم درآمد . خدیو بلند اقبال زیاد از مأخوذه یکسال مطالبه نفرموده و با سایر کارپردازان و عمال آن جماعت بهمین منوال معامله رفت» ۱۲۵

و اما در خصوص این «معاملت» که بقول صاحب حقایق الاخبار در حق کارپردازان و عمال میرزا آقاخان رفته ، وزیر نظام برادر میرزا آقاخان نوشته است :

۱۲۴- تذکره تاریخی ص ۷۳

۱۲۵- بارن دو پیشون **Baron de Pichon** نیز در یکی از گزارشهای خود مطالبی در این خصوص نوشته است. از آن جمله میگوید: «میرزا آقاخان مدت هفت سال بی آنکه از او حساب خواسته باشند تمام مالیه عواید ایران را که بالغ بر ۲۵۰ هزار تومان میشود در اختیار داشت و بتصدیق خود او سالانه یکصد و هشتاد هزار تومان از حکام ایران دریافت میداشته است و این مبلغ بجز چهار هزار تومان مستمری او و غیر از هدایایی بود که گاه و بیگاه شاه با و مرحمت می کرده است» (برگ ۲۲۰ مجلد ۲۹ بایگانی فرانسه)

«درباره من و اولاد حکمی محکمتر از فولاد صادر گردید  
 و در همان شب ورود من آدمی بشیراز و قم رفت و محصلان شدید  
 در تحصیل ترجمان و برافکندن دودمان مأمور گردید و تقسیم  
 بقلم رقم رفت که دو بیست هزار تومان زبنده و شصت هزار تومان  
 از نظام الملک و بیست هزار تومان از میرزا علیخان و سی هزار  
 تومان از ذوالفقار خان و چهل هزار تومان از میرزا نسیم و ده  
 هزار تومان از عباسقلی خان و سی هزار تومان از محمد علیخان  
 ترجمان قرار دادند و در اخذ مال آنچه اندوخته از هزار سال بود  
 گرفته از نسیم و زر و لباس و زیور به بدترین حال بتاراج و مارا  
 نشانه آماج ستم داشتند» ۱۲۶

مؤلف «تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار» هم راجع برسد کمی  
 به حسابهای میرزا آقاخان می نویسد او در محاسبه مبلغی کسر آورد که بعضی از  
 آنرا نقداً پرداخت و در عوض باقی مانده، آدران را که دارای عمارت بالنسبه  
 عالی بود بدولت وا گذاشت ۱۲۷ و این موضوع ظاهراً باید درست باشد چه  
 می بینیم در ماه رمضان همین سال ناصرالدین شاه سفری با آدران که تا آن زمان  
 بدانجا نمی رفت رفته است ۱۲۸.

اما سختگیریهایی نسبت بیستگان و خویشان میرزا آقاخان چندان  
 نپائید و بواسطت مهد علیا در همان روزها که میرزا آقاخان هنوز در آدران بود  
 متعلقان او آزاد شدند و اجازه یافتند بهر جایی که میخواهند بروند ولی خود  
 میرزا آقاخان با وجود دادن مبالغی خطیر که بگفته وزیر نظام «دروهم ننگند»  
 همچنان در قید و بند باقی بود ۱۲۹. ناتمام

۱۲۶- تذکره تاریخی ص ۷۳

۱۲۷- ص ۸۸ ج ۱

۱۲۸- ص ۲۶۱ منتظم ناصری ج ۳

۱۲۹- تذکره تاریخی ص ۷۳